



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

په پوهنيزو کورنيو کې
لومړۍ لړۍ

په پوهنيزو کورنيو کې

قِمَار

لومړۍ لړۍ

په پوهنيزو کورنيو کې
لومړۍ لړۍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قمار

نویسنده:

هادی نجفی

ناشر چاپی:

مؤلف

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	قمار
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۹	فهرست
۱۴	مقدمه
۱۶	فصل اول : تعریف قمار
۲۳	فصل دوم : بررسی دلایل حرمت قمار
۲۳	اشاره
۲۳	۱- حرمت قمار از دیدگاه قرآن
۳۱	۲- حرمت قمار از دیدگاه روایات
۳۴	۳- حرمت قمار از دیدگاه اجماع
۳۸	۴- حرمت قمار از دیدگاه عقل
۳۹	فصل سوم : حکم چهار مسأله
۳۹	مسأله اول : حکم بازی با وسایل و آلات قمار با برد و باخت
۴۰	مسأله دوم : حکم بازی با وسایل و آلات مخصوص قمار بدون برد و باخت
۴۴	مسأله سوم : حکم بازی با آلات غیر قمار به همراه برد و باخت
۵۱	مسأله چهارم : حکم عموم مسابقات بدون برد و باخت
۶۶	فصل چهارم : حکم گرفتن مال برنده شده در قمار
۶۹	فصل پنجم : حکم بازی با شطرنج و نرد بدون برد و باخت
۶۹	۱- بررسی سخنان بزرگان
۷۷	۲- روایات وارده [در باره شطرنج و نرد]
۸۷	خاتمه : قمار از گناهان کبیره
۹۱	برخی از منابع

قمار

مشخصات کتاب

قمار

تألیف هادی نجفی

ترجمه محمود صادقی

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم نرگس قمی

ص: 1

اشاره

5... دو آیه از قرآن کریم در مورد قمار

6... سه حدیث معتبر پیرامون قمار

7... مقدمه

9... فصل اول: تعریف قمار

16... فصل دوم: بررسی دلایل حرمت قمار

1- حرمت قمار از دیدگاه قرآن... 16

2- حرمت قمار از دیدگاه روایات... 24

3- حرمت قمار از دیدگاه اجماع... 27

4- حرمت قمار از دیدگاه عقل... 31

فصل سوم: حکم چهار مسأله... 32

مسأله اول: حکم بازی با وسایل و آلات قمار با برد و باخت... 32

مسأله دوم حکم بازی با وسایل و آلات مخصوص قمار بدون برد و باخت... 33

مسأله سوم: حکم بازی با آلات غیر قمار به همراه برد و باخت... 37

مسأله چهارم: حکم عموم مسابقات بدون برد و باخت... 44

فصل چهارم: حکم گرفتن مال برنده شده در قمار... 59

فصل پنجم حکم بازی با شطرنج و نرد بدون برد و باخت... 62

1- بررسی سخنان بزرگان... 62

2- روایات وارده [درباره شطرنج و نرد]... 70

:خاتمه قمار از گناهان کبیره... 80

برخی از منابع... 84

«يَأْيُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ

مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ

يُفَوِّعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ» سوره مائده آیات 90 و 91

ای اهل ایمان! جز این نیست که شراب و قمار و بت هایی که [برای پرستش] نصب شده و پاره چوب هایی که به آن تفال زده می شود پلید و از کارهای شیطان است؛ پس از آن ها دوری کنید تا رستگار شوید. * مسلماً شیطان می خواهد با شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه [سخت] اندازد و از یاد خدا و نماز بازتان دارد؛ آیا

شما [از این امور با همه زیان ها و خطراتی که دارد] خودداری خواهید کرد؟

«يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا»

سوره بقره آیه 219

درباره شراب و قمار از تو می پرسند. بگو در آن دو، گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است و گناه هر دو از سودشان بیشتر است.

ص: 5

1- صحیحہ زیاد بن عیسی - وهو أبو عبيدة الحذاء (1) - قال: سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن قوله: «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ».

فقال: كانت قریش تقامر الرجل بأهله وماله، فنهاهم الله عزوجل عن ذلك . (2)

صحیحہ زیاد بن عیسی - که همان ابو عبیده حذاء است - ایشان می گوید: از امام صادق (علیه السلام) درباره سخن خداوند عزوجل «اموال یکدیگر را در میان خود به باطل [و از راه حرام و نامشروع] نخورید»، سؤال کردم. امام (علیه السلام) فرمود: در قریش مرسوم بود که مردان، اموال و زنان خود را در بازی قمار، در معرض برد و باخت قرار می دادند و خداوند عزوجل ایشان را از آن عمل نهی فرمود .

2- صحیحہ محمد بن عیسی قال : قال أبو عبد الله (عليه السلام) في قول الله عزوجل : «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» قال : ذلك القمار . (3)

صحیحہ محمد بن عیسی می گوید: امام صادق (علیه السلام) درباره سخن خداوند عزوجل «اموال یکدیگر را در میان خود به باطل [و از راه حرام و نامشروع] نخورید». فرمود: آن [خوردن مال به باطل] قمار است.

3- صحیحہ محمد بن مسلم عن أحدهما عليهم السلام قال : لا تصلح المقامرة ولا النهبة. (4)

صحیحہ محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) یا امام صادق (علیه السلام) شرکت در قمار و غارت جایز نیست.

ص: 6

1- الكافي الشريف، ج 5، ص 122، ح 1.

2- وسائل الشيعة، ج 17، ص 164، ح 1.

3- وسائل الشيعة، ج 17، ص 167، ح 14 .

4- الكافي، ج 5، ص 123، ح 5 و نقل عنه في وسائل الشيعة، ج 17، ص 165، ح 5.

الحمد لله الذي حَرَّمَ الخمر والميسر وأمر بالاجتناب عنهما، والصلاة والسلام على خاتم الأنبياء والمرسلين مُحَمَّد المصطفى وعلى وصيِّه وخليفته - بلا فصل - أمير المؤمنين علي بن أبي طالب والأَحَدَ عَشَرَ من ولده الأئمة المعصومين ولا سيَّما على خاتمهم المهدي المنتظر .

آنچه در این کتاب خدمت علاقه مندان به فقه اهل بیت علیهم السلام تقدیم می شود، بحثی است پیرامون قمار و مسائل فقهی استدلالی آن، که برگردان فصل قمار (1) از کتاب دائرة المعارف الآراء الفقهية (2)، تألیف صاحب این قلم می باشد و کار ترجمه آن را حجة الإسلام آقای شیخ محمود صادقی حفظه الله برعهده داشته و توسط اینجانب نیز تصحیح گردید.

ص: 7

1- الآراء الفقهية، ج 3، ص 540 .

2- این کتاب از اول بحث مکاسب محرمة تا پایان بیع به مدت 17 سال در حوزه علمیه تدریس و تاکنون در 9 جلد منتشر شده است.

در تعریف قمار خواهد آمد که قمار عبارت است از هرگونه مسابقه ای که در آن برد و باخت مالی از طرفین مسابقه دهنده یا یکی از آن دو شرط شود، اما اگر جایزه برنده توسط شخص ثالثی اهدا گردد از دایره قمار خارج می شود.

در روزگار ما که درهای فضای مجازی بر روی همه گشوده شده و قماربازان نیز بدان ورود کرده اند، بدیهی است که اطلاعات ادله حرمت قمار شامل برد و باخت مالی در این فضا نیز می شود. بنابراین صدق قمار و حرمت آن در فضای مجازی واضح است.

اما بازی با آلات قمار بدون برد و باخت مالی یا بازی با شطرنج و نرد بدون برد و باخت مالی در فضای مجازی به خاطر عدم صدق واقعی بازی به این آلات، از دایره حرمت خارج است.

در پایان ضمن دعوت علاقه مندان به خواندن این رساله امیدوارم تدوین و برگردان فارسی آن مرضی مولایمان صاحب العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد ان شاء الله تعالی.

8 ربیع الآخر 1442

4 آذر ماه 1399

اصفهان - هادی نجفی

ص: 8

بحث در مورد قمار در چند فصل واقع می شود :

فصل اول : تعریف قمار

قبل از ورود در بحث قمار، باید سخن اهل لغت مورد بررسی قرار گیرد:

احمد بن فارس می گوید: «(قاف و میم و راء)، اصل صحیحی است که بر سفیدی در شیء دلالت می کند و کلمات دیگر از این سه حرف مشتق می شود؛ مانند کلمه (قمر السماء) که ماه، به خاطر سفیدیش (قَمَر) نامیده می شود و (حمار أقرم): الاغ سفید که (أقمر) به معنای سفید می باشد.

اما قول لغوی: (قَمَرٌ یَقْمَرُ قَمراً) از باب ثلاثی مجرد می باشد و قمار مصدر از باب مفاعله و به معنای مشارکت و به معنای مشارکت و اثر پذیری طرفینی است. گروهی می گویند: قمار کلمه نادر و شاذی می باشد که از ریشه ثلاثی مجرد گرفته شده است. گروه دیگری می گویند: قمار از ریشه اصلی آن، گرفته شده است زیرا [در قمار] بر دارایی قمار کننده افزوده می شود و دارایی او نقصان پیدا می کند و دارایی او به حالت ثابتی باقی نمی ماند و این چیزی است که [در رابطه با قمار]

شنیده ایم و خداوند بر درستی و صحت آن آگاه می باشد.

ابن درید می گوید: (تَقَمَّرَ الرَّجُلُ): زمانی است که فرد از دیگری درخواست می کند تا با او قمار نماید و می گوید: (قَمَرْتُ الرَّجُلَ أَقْمَرُهُ وَ أَقْمَرُهُ) ⁽¹⁾.

زمخشری می گوید: «از جمله موارد استعمال مجازی، کلمه (تَقَمَّرَهُ)، او را فریب داد، می باشد. و قمار نیز از موارد استعمال مجازی می باشد، زیرا بسیار فریبنده است. می گویی: (قَامَرْتُهُ فَقَمَرْتَهُ أَقْمَرَهُ: بر او چیره گشتم و غلبه نمودم)» ⁽²⁾.

ابن منظور می گوید: «(وَقَامَرَ الرَّجُلَ مُقَامَرَةً وَقَمَارًا): به معنای انجام برد و باخت مالی است و کلمه (القمار و مقامرة) مصدر از باب مفاعله می باشد که به معنای مشارکت و اثر پذیری طرفینی می باشد و (تَقَامَرُوا) قمار بازی کردند. و (قَمِيرُكُ): ابن جنی می گوید: به کسی می گویند که با تو قمار می کند و جمع آن (أقمار) است کلمه (أقمار) کلمه ای نادر و شاد می باشد مانند نصیر و انصار و ثلاثی مجرد آن از باب (قَمَرَهُ يَقْمَرُهُ قَمْرًا) می باشد. در حدیث ابی هریره آمده است: اگر کسی بگوید: بیا تا با تو قمار کنم و او پذیرفت، به اندازه [مالی] که اراده کرده است در معرض قمار قرار دهد، باید صدقه بپردازد. جوهری می گوید (قَمَرْتُ الرَّجُلَ أَقْمَرُهُ بِالْكَسْرِ، قَمْرًا) زمانی است که با او قمار بازی کردم و بر او غلبه کردم و پیروز شدم. (وَقَامَرْتُهُ فَقَمَرْتُهُ أَقْمَرُهُ بِالضَّمِّ، قَمْرًا) زمانی است که در مقابل او اظهار بزرگی کردم و بر او پیروز شدم. (وَتَقَمَّرَ الرَّجُلُ): بر کسی که

ص: 10

1- معجم مقایس اللغة، ج 5، ص 26.

2- أساس البلاغة، ص 377.

با او قمار کرد، پیروز گردید. (1)

فیومی می گوید: «(قمازته قماراً) از باب (قاتل) و (فقمرته قمرأ) از باب های (قتل) و (ضرب) می باشد و [به معنای] بر او در قمار غلبه کردم و بر او چیره شدم [می باشد]». (2)

فیروزآبادی می گوید: «(قامرَه مُقَامَرَةٌ وقماراً فَمَمَرَه كَنَصَرَه وتَمَمَرَه): برد و باخت انجام داد و بر او چیره گشت که این همان معنای قمار طرفینی می باشد. (وقمیرگ): کسی است که با تو قمار می کند و جمع آن (أقمار) می باشد». (3)

مرحوم طریحی قدس سره در مجمع البحرین می گوید: «قمار به کسر قاف مصدر از باب مقامرة می باشد که به معنای مشارکت طرفینی در قمار می باشد (و تقامروا): قمار، بازی کردند. بازی قمار، با وسایل مخصوصی که انواع مختلفی دارد مانند شطرنج و نرد و غیر آنها، انجام می شود. و اصل قمار عبارت است از: جایزه قراردادن برای بازی با یکی از این وسایل و چه بسا بر بازی برد و باخت با انگشتر و گردو و عود نیز مفهوم قمار، اطلاق گردد» (4).

می گویم: به تحقیق بیانات اهل لغت بیانگر آن است که در قمار باید برد و باخت مالی در میان باشد و به بازی بدون برد و باخت، قمار نمی گویند.

[در اینجا دو سؤال مطرح می شود، سؤال اول: آیا مفهوم قمار فقط شامل بازی با وسایل و آلات مخصوص آن می شود؟ یا بر بازی

ص: 11

1- لسان العرب، ج 11، ص 300.

2- المصباح المنیر، ص 515.

3- القاموس، چاپ سنگی ماده: القمره (ج 2، ص 121).

4- مجمع البحرین، چاپ سنگی، ماده: قمر (ج 3، ص 463).

با هر وسیله ای، خواه آن وسیله از آلات قمار به شمار آید و یا از آلات قمار محسوب نگردد، و برد و باخت مالی در میان باشد، مفهوم قمار صدق می کند؟

[جواب]: ظاهر آن است که به قسم دوم نیز قمار می گویند. [یعنی بازی با هر وسیله ای چه از آلات قمار باشد و چه نباشد در صورتی که برد و باخت مالی مطرح شود، قمار می گویند] زیرا غالباً برد و باخت مالی با هر وسیله ای محقق می گردد، خواه آن وسیله از آلات مخصوص برای قمار باشد و خواه از غیر آلات قمار باشد. مانند: گردو و تخم مرغ و کتاب و انگشتر و عود و بعضی از ظرف ها و مانند آن. چنانچه مرحوم طریحی قدس سره در کتاب مجمع البحرین به آن تصریح نموده است.

[سؤال دوم]: آیا در صورتی که برد و باخت مالی در بازی با وسایل مخصوص برای قمار، مطرح نباشد بر آن بازی قمار اطلاق می گردد؟

[جواب]: صاحب کتاب جامع المقاصد گرایش به صحت اطلاق مفهوم قمار بر بازی با وسایل مخصوص آن دارد، هر چند که برد و باخت مالی مطرح نباشد و می گوید: «چه بسا مفهوم قمار، بر بازی با آلات و وسایل مخصوص آن، به طور مطلق صدق می کند» (1). بدین معنا که بر بازی با وسایل مخصوص قمار به طور مطلق چه برد و باخت مالی در آن لحاظ گردد و چه لحاظ نگردد، مفهوم قمار صدق می کند.

صاحب کتاب مفتاح الکرامه می گوید: «ظاهر کتاب های صحاح و مصباح المنیر و تکملة و الذیل این است که مفهوم قمار بر بازی با

ص: 12

وسایل و آلات مخصوص قمار به طور مطلق - چه با برد و باخت و چه بدون آن - اطلاق می گردد و در کتاب جامع المقاصد به آن تصریح شده است» (1).

صاحب کتاب جواهر از نظر صاحب کتاب مفتاح تبعیت نموده است (2) و سید صاحب ریاض المسائل در کتاب سبق و رمایه می گوید: «و ادعای کسی که می گوید قمار و برد و باخت در مسابقه، فقط در حالتی است که بذل عوض و پرداخت جایزه ای در میان باشد، صحیح نمی باشد. در صورتی که صدق قمار و برد و باخت در عرف و عادت مردم و مخصوصاً برد و باخت در صورتی که حتی بذل عوض و جایزه ای در کار نباشد، صحیح است» (3).

می گویم: به تحقیق دانستی که وجود برد و باخت مالی، مقوم مفهوم قمار می باشد. پس با نبودن برد و باخت مالی در بازی، بر آن صدق قمار نمی شود و آنچه که از بزرگان علماء قدس سرهم بیان کردیم، تمام و کامل نمی باشد. و فاضل نراقی (4) قدس سره هم آنچه را که ما ذکر کردیم، بیان می کند، زمانی که به جواز بازی با وسایل و آلات قمار به غیر از شطرنج و نرد، در صورت عدم وجود برد و باخت، گرایش پیدا می کند. ایشان بر بازی بدون برد و باخت با وسایل و آلات قمار، اطلاق قمار نمی کند و به جواز بازی با آن ها مگر در شطرنج و نرد، حکم می کند.

ص: 13

-
- 1- مفتاح الكرامة، ج 12، ص 186.
 - 2- الجواهر، ج 22، ص 109.
 - 3- ریاض المسائل، ج 10، ص 239.
 - 4- مستند الشیعة، ج 14، ص 106 پس آنچه در مصباح الفقاهة، ج 1، ص 369 آمده است و به مستند نسبت عدم الخلاف مسأله در دوم را داده اند تمام نیست و نفی خلاف در مستند به مسأله اول باز می گردد.

پس [می توان نتیجه گرفت که] بازی با وسایل و آلات قمار، قمار نیست، و حکم [بازی با وسایل مخصوص قمار بدون برد و باخت] در کلام فاضل نراقی قدس سره، خواهد آمد. إن شاء الله تعالی.

شیخ اعظم انصاری رحمه الله نیز با قول ما موافق می باشد در آنجا که در حکم بازی با وسایل و آلات قمار بدون برد و باخت مالی

می فرماید: «آنچنان که دانستی، در صدق قمار بر آن نظر است» (1). محقق خمینی قدس سره نیز فقط در مورد اخیر [سؤال دوم] با ما همراهی می کند آنجا که می فرماید: «و بعید نیست که بر بازی با آلات و وسایل قمار بدون برد و باخت مالی، مفهوم قمار و میسر صدق نمی کند، همان طور که سخنان بسیاری از اهل لغت مانند صاحب کتاب قاموس و مجمع و المنجد و منتهی الارب و آنچه که از لسان العرب حکایت شده، بر آن شهادت می دهد. زیرا با قید برد و باخت مالی، قمار معنا پیدا می کند». (2)

محقق خوئی رحمه الله در هر دو مسأله با ما همراه می باشد آنجا که می گوید: «از کلمات افراد خبره و اهل لغت استفاده می شود که قمار و میسر، برای بازی با هر وسیله ای که با برد و باخت همراه باشد، وضع شده است که در لغت فارسی از (رهان) تعبیر به (برد و باخت) می شود و به همین خاطر، بازی با وسایل و آلات قمار بدون برد و باخت، موضوعاً و تخصصاً از مطلقاً قمار خارج می گردد» (3). ایشان همچنین در حرمت برد و باخت در بازی با وسایلی که مخصوص قمار نمی باشد، می فرماید: «دوم: مفهوم قمار بدون هیچ

ص: 14

-
- 1- المكاسب المحرمة، ج 1، ص 372.
 - 2- المكاسب المحرمة، ج 2، ص 3.
 - 3- مصباح الفقاهة، ج 1، ص 372.

عنایت و علاقه ای بر آن [بر بازی با وسایل غیر قماری به همراه برد و باخت] صدق می کند، و به تحقیق دانستی که از کلام افراد و اهل لغت ظاهر و روشن است که قمار عبارت است از برد و باخت در

بازی با هر وسیله ای که باشد و در تفسیر قمار به بازی با آلات و وسایل مخصوص قمار دور آشکاری وجود دارد». (1)

می گویم: از سخنان اهل لغت آشکار می گردد که بر بازی، زمانی مفهوم قمار صدق می کند که برد و باختی در میان باشد و فرقی نمی کند که آن بازی با وسایل مخصوص قمار انجام شود و یا با وسایل دیگر. اما اگر بین دو طرف بازی، برد و باختی وجود نداشته باشد، مفهوم قمار بر آن بازی صدق نمی کند، یکسان است که بازی با آلات و وسایل قماری انجام گیرد یا به غیر آن ها. و اطلاق کلمه (قمار) نزد عرف، مؤید آن چیزی است که ما از اهل لغت آن را استفاده کردیم.

ص: 15

دلایل چهارگانه [کتاب، سنت، اجماع و عقل] بر حرمت قمار دلالت می کند :

1- حرمت قمار از دیدگاه قرآن

(الف) سخن خداوند تعالی :

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا آكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (1)

درباره شراب و قمار از تو می پرسند، بگو در آن دو، گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است و گناه هر دو از سودشان بیشتر است.

میسر همان قمار است و خداوند تعالی قمار را قرین شراب قرار داده و حکم فرموده است که شراب و قمار، گناه کبیره می باشند و ظهور آیه شریفه بر حرمت واضح و آشکار است.

و دلالت می کند بر اینکه مراد از میسر در آیه شریفه قمار است :

ص: 16

خبر الوشاء عن أبي الحسن (عليه السلام) قال : سمعته يقول : الميسر هو القمار. (1)

خبر وشاء از ابی الحسن علی بن موسی الرضا (علیه السلام) که می گوید: شنیدم از امام رضا (علیه السلام) که می فرماید: میسر همان قمار است.

و عیاشی رحمه الله نیز در تفسیرش (2) ، این روایت را از امام رضا (علیه السلام) نقل نموده است.

وفي تفسير العياشي عن حمدويه عن محمد بن عيسى قال : سمعته يقول: كتب إليه إبراهيم بن عنبسه - يعني إلى علي بن محمد عليهم السلام - إن رأى سيدي ومولاي أن يخبرني عن قول الله تعالى: «يَسَّ ثُلُونًا عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ» الآية، فما الميسر جعلت فداك؟ فكتب: كل ما قومر به فهو الميسر، وكل مسكر حرام. (3)

و در تفسیر عیاشی از حمدویه نقل می کند از محمد بن عیسی شنیدم که می گوید: ابراهیم بن عنبسه به امام هادی (علیه السلام) نامه ای نوشت که ای آقا و پیشوای من! اگر صلاح می دانید به من از سخن خداوند تعالی در آیه شریفه «در باره شراب و قمار از تو می پرسند» خبر دهید که میسر چیست؟ فدای شما بشوم. امام (علیه السلام) در پاسخ مرقوم می فرماید: هر آنچه با آن قمار بازی شود، پس آن میسر است و هر مست کننده ای حرام است.

این روایت از نظر سندی معتبر است.

في خبر جابر عن أبي جعفر (عليه السلام) قال : لما أنزل الله على رسوله صلى الله عليه وآله وسلم « إِنَّمَا

ص: 17

1- وسائل الشيعة، ج 17، ص 165، ح 3، الباب 35 من ابواب ما يكتسب به.

2- تفسير العياشي، ج 2، ص 72، ح 183.

3- تفسير العياشي، ج 1، ص 218، ح 314.

الْحَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ» (1) قیل: یا رسول الله ما «المیسر»؟ فقال: کل ما تقوم به حتی الکعب (2) والجوز. قیل: فما «الأنصاب»؟ قال: ما ذبحوا لآلهتم. قیل: فما «الأزلم»؟ قال: قداهم التي يستقسمون بها. (3)

در خبر جابر از امام باقر (علیه السلام) آمده است که ایشان می فرماید زمانی که خداوند آیه «جز این نیست که همه مایعات مست کننده و قمار و بت هایی که [برای پرستش] نصب شده و پاره چوب هایی که به آن تقال زده می شود، پلید و از کارهای شیطان است؛ پس از آنها دوری کنید» را به رسول خویش صلی الله علیه وآله وسلم نازل فرمود. به ایشان گفته شد: ای فرستاده خدا! «میسر» چیست؟ ایشان فرمود: هر آنچه با آن قمار شود حتی استخوانی که با آن بازی می کنند و گردو. گفته شد: پس «أنصاب» چیست؟ ایشان فرمود: آنچه برای خدایانشان ذبح می کردند. گفته شد «أزلام» چیست؟ ایشان فرمود: چوبه های تیری که [مشرکان در جاهلیت شتر را] با آنها تقسیم می کردند.

ب) سخن خداوند تعالی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْحَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْحَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُصَدِّكُمْ عَنِ الذِّكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ

ص: 18

1- سوره مائده آیه 90.

2- الکعب: جمع الکعب استخوان تراشیده شده ای که با آن قمار می شود.

3- وسائل الشیعة، ج 17، ص 165، ح 4.

ای اهل ایمان! جز این نیست که شراب و قمار و بت‌هایی که [برای پرستش] نصب شده و پاره چوب‌هایی که به آن تقال زده می‌شود، پلید و از کارهای شیطان است؛ پس از آن‌ها دوری کنید تا رستگار شوید. * مسلماً شیطان می‌خواهد با شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه [سخت] اندازد، و از یاد خدا و نماز بازتان دارد؛ آیا شما [از این امور با همه زیان‌ها و خطراتی که دارد] خودداری خواهید کرد؟

در این آیه شریفه، قمار - که همان میسر است - پلید و عملی شیطانی شمرده شده است و لذا خداوند امر به دوری آن کرده است. و در رابطه با علت‌های حرمت آن آمده است که قمار موجب ایجاد دشمنی و کینه و کدورت بین مؤمنین می‌شود و ایشان را از یاد خدا

و نماز باز می‌دارد. پس دلالت آیه بر حرمت آشکار و ظاهر می‌باشد. روی العیاشی فی ذیلها عن یاسر الخادم عن الرضا (علیه السلام) قال: سألته عن المیسر؟ قال: الثقل من کل شیء. قال الحسین: والثقل ما یخرج بین المتراهنین من الدرهم وغیرها. (2)

عیاشی رحمه الله در ذیل آیه شریفه از یاسر خادم از امام رضا (علیه السلام) روایت می‌کند که یاسر می‌گوید: از امام (علیه السلام) درباره میسر سؤال کردم. ایشان فرمود: (ثقل) و سنگینی هر چیزی [را میسر گویند]. حسین می‌گوید: [منظور از] (ثقل)، درهم‌ها و غیر درهم‌هایی است که بین دو طرف قمار، رد و بدل می‌شود.

ص: 19

1- سوره مائده آیات 90 و 91 .

2- تفسیر العیاشی، ج 2، ص 75، ح 189 ونقل عنه فی وسائل الشیعة، ج 17، ص 167، ح 12 مع اختلاف.

شیخ حر عاملی رحمه الله روایت را [در وسائل الشیعه] بیان می کند و به جای کلمه (الحسین) کلمه (الخیز) به معنای نان و به جای کلمه (الثقل) کلمه (التفل) به معنای کم و بی ارزش را به کار برده است. ولی صحیح همان است که در تفسیر عیاشی (الحسین) بیان کرده است. و شاید حسین از جمله راویان خبر باشد که با حذف سند، اسم او نیز حذف گردیده باشد. و چه بسا کلمه (الثقل) موجود در تفسیر عیاشی و (التفل) موجود در کتاب وسائل الشیعه، هر دو تصحیف و تحریف شده کلمه (الثقل) - ثاء و فاء - باشند. [الثقل] عبارت است از [هر چیز پست و بی ارزش. و در این روایت، مجاز است برای آن چیزی که بین طرفین قمار رد و بدل می شود.

شیخ طوسی قدس سره در تفسیر تبیان می گوید «ابن عباس و عبدالله ابن مسعود و حسن و مجاهد و قتاده و ابن سیرین می گویند: میسر همان قمار است و [این معنا] در روایات ما آشکار و روشن می باشد». (1)

طبرسی رحمه الله در «مجمع البیان» جمله آخر شیخ طوسی [وهو الظاهر فی روایاتنا: [و این معنا] در روایات ما آشکار و روشن می باشد را به «وهو المروی عن أئمتنا: و آن از ائمه و پیشوایان ما روایت شده است» تبدیل کرده است و در ادامه می گوید: گردو بازی کودکان با برد و باخت، قمار است» (2).

ایشان در تفسیر دیگر خود [جوامع الجامع] می گوید: خداوند سبحان با بیان جهاتی تأکید ویژه ای بر حرمت شراب و قمار فرموده

است:

ص: 20

1- التبیان، ج 2، ص 212.

2- مجمع البیان، ج 2، ص 316.

1- شراب و قمار را قرین عبادت (انصاف) که همان بت ها می باشد قرار داده است.

ومنه (علیه السلام) قوله : شارب الخمر کعابد الوثن.

امام (علیه السلام) می فرماید: شراب خوار مانند بت پرست است.

2- خداوند آن ها را رجس و پلیدی معرفی کرده است همچنان که بت ها را یکی از پلیدی ها می داند و می فرماید :

« فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ » (1)

از پلیدی اجتناب کنید و یکی از این پلیدی ها بت ها می باشند.

3- شراب و قمار را از کارهای شیطانی دانسته است.

4- دستور داده است که از آن ها اجتناب کنند.

5- رستگاری و سعادت را در اجتناب از آن ها قرار داده است. ضمیر (هاء) در «فَاجْتَنِبُوا» به عمل شیطان یا به مضاف محذوف برمی گردد و گویی گفته شده شأن شراب و قمار یا عادت همیشگی به خوردن شراب و بازی قمار و مانند آن، عمل شیطانی است و موجب دوری از رستگاری می گردد.

6- نتایج شرب خمر و قمار را مفسدی از قبیل دشمنی و کدورت و کینه در میان شراب خواران و قماربازان و منجر شدن این عمل به بازماندن از یاد خدا و نمازی که ستون دین است برشمرده است و سخن خداوند «فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ» (2) : «آیا شما [از این امور با همه زیان ها و خطراتی که دارد] خودداری خواهید کرد؟»؛ لحنی بسیار رسا و آشکاری است یعنی آیا با این بازدارنده هایی که برای

ص: 21

1- سوره حج آیه 30 .

2- سوره مائده آیه 90 .

شما تلاوت گردید، خودداری خواهید کرد؟» (1).

و مانند این بیان را ز مخشری در تفسیر کشاف (2) آورده است.

ج) سخن خداوند تعالی :

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ» (3)

ای اهل ایمان! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل [و از راه حرام و نامشروع] نخورید، مگر آنکه تجارتی از روی خشنودی و رضایت میان خودتان انجام گرفته باشد.

آیه شریفه از خوردن اموال با سبب های باطل که یکی از آن ها قمار می باشد نهی فرموده است. و لذا در تعدادی از روایات سبب باطل را با قمار تطبیق داده است از جمله :

روایت اول: صحیحہ زیاد بن عیسی - وهو أبو عبیدة الحذاء (4) - قال : سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن قوله عز وجل : «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» . فقال : كانت قریش تقامر الرجل بأهله وماله، فنهاهم الله عز وجل عن ذلك. (5)

صحیحہ زیاد بن عیسی - که همان ابو عبیده حذاء است - ایشان می گوید: از امام صادق (علیه السلام) درباره سخن خداوند عزوجل «اموال یکدیگر را در میان خود به باطل و از راه حرام و نامشروع] نخورید»، سؤال

ص: 22

1- جوامع الجامع، ج 1، ص 351.

2- تفسیر کشاف، ج 1، ص 674.

3- سوره نساء، آیه 29.

4- الکافی، ج 5، ص 122، ح 1.

5- وسائل الشیعة، ج 17، ص 164، ح 1.

کردم. امام (علیه السلام) فرمود: در قریش مرسوم بود که مردان، اموال و زنان خود را در بازی قمار، در معرض برد و باخت قرار می دادند و خداوند عزوجل ایشان را از آن عمل نهی فرمود.

عیاشی در تفسیرش (1) این روایت را با اضافه ای به صورت مرسل از محمد بن علی از امام صادق (علیه السلام) روایت نموده است.

روایت دوم: صحیحۀ محمد بن عیسی قال: قال أبو عبد الله (علیه السلام) في قول الله عزوجل: «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» قال: ذلك القمار. (2)

صحیحۀ محمد بن عیسی می گوید: امام صادق (علیه السلام) درباره سخن خداوند عزوجل «اموال یکدیگر را در میان خود به باطل [و از راه حرام و نامشروع] نخورید». فرمود: آن [خوردن مال به باطل] قمار است.

روایت سوم: ما رواه العیاشی فی تفسیره مرسلأ رواه العیاشی فی تفسیره مرسلأ عن أسباط بن سالم قال: كنت عند أبي عبد الله (علیه السلام) فجاءه رجل فقال له: أخبرني عن قول الله: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» قال: عني بذلك القمار، الحديث. (3)

روایت مرسله ای از اسباط بن سالم است که عیاشی آن را در تفسیر خود آورده است. اسباط بن سالم می گوید: نزد امام صادق (علیه السلام) بودم که مردی و آمد گفت: مرا از سخن خداوند «ای اهل ایمان! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل [و از راه حرام و نامشروع] نخورید»، خبر بده. امام (علیه السلام) فرمود: منظور از آن خوردن مال به

ص: 23

1- تفسیر عیاشی، ج 1، ص 390، ح 103.

2- وسائل الشیعة ج 17، ص 167، ح 14.

3- تفسیر العیاشی، ج 1، ص 388 ح 98 و نقل عنه فی وسائل الشیعة، ج 17، ص 166، ح 8.

باطل [قمار است، حدیث .

روایت چهارم: ما رواه العیاشی مرسلًا عن أسباط قال: سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن قول الله: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» قال: هو القمار. (1)

روایت مرسله ای از اسباط است که عیاشی آن را بیان کرده است. اسباط می گوید: از امام صادق الله (علیه السلام) از سخن خدا «ای اهل ایمان! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل [و از راه حرام و نامشروع] نخورید»، سؤال کردم. امام (علیه السلام) در پاسخ فرمود آن [خوردن مال به باطل] قمار است.

در نتیجه این آیه شریفه با تطبیق این روایات معتبره به روشنی دلالت بر حرمت قمار دارد.

2- حرمت قمار از دیدگاه روایات

علاوه بر روایاتی که در ذیل آیات بیان گردید، شماری از روایات معتبره مستفیضه بر حرمت قمار دلالت دارند:

روایت اول: صحیحة محمد بن مسلم عن أحدهما عليهما السلام قال: لا تصلح المقامرة ولا النهبة. (2)

صحیحة محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) یا امام صادق (علیه السلام) شرکت در قمار و غارت جایز نیست.

روایت دوم: حسنة عبد الحميد بن سعيد قال: بعث أبو الحسن (عليه السلام)

غلاماً يشتري له بيضاً، فأخذ الغلام بيضة أو بيضتين فقامر بها، فلما أتى به

ص: 24

1- تفسیر العیاشی، ج 1، ص 389، ح 100.

2- الکافی، ج 5، ص 123، ح 5 و نقل عنه في وسائل الشيعة، ج 17، ص 165، ح 5.

أكله، فقال له مولى له إن فيه من القمار، قال: فدعا بطشت فتقيأه. (1)

حسنه عبدالحميد بن سعيد ایشان می گوید: امام کاظم (علیه السلام) غلام خود را فرستاد تا برای او تخم مرغ خریداری نماید. غلام بعد از خرید تخم مرغ با یک یا دو عدد آن، قمار کرد. سپس تخم مرغ را آورد و آن حضرت تناول کرد یکی از غلامان امام که شاهد بود، ماجرای برد و باخت را به اطلاع امام رسانید. امام (علیه السلام) طشتی طلبید و آنچه را که

میل فرموده بود، قی کرد.

شیخ جعفر کاشف الغطاء رحمه الله در مورد این روایت گوید: «و روایت کننده این خبر داناتر بدان است» (2).

صاحب کتاب شریف جواهر الکلام می گوید: «از آنجا که این روایت با عصمت امام (علیه السلام) که طهارت از هر پلیدی و رجس است، منافات دارد، خالی از اشکال نمی باشد» (3).

شیخ اعظم انصاری قدس سره می گوید: «لکن اشکال این است که در انسان تأثیر می گذارد... تا آنجا که می فرماید: تمامی این مطالب برای تطبیق افعال معصومین علیهم السلام بر قواعد می باشد و گرنه کردار و سخنان ایشان مراتبی دارد که به جز خودشان کسی بر آنها آگاه نیست» (4).

محقق خوئی رحمه الله می گوید: «و ممکن است که گفته شود: همانا اعتراض بر روایت مبنی بر آن است که علم ائمه علیهم الصلاة والسلام نسبت به موضوعات نزدشان حاضر است و متوقف بر اراده نمی باشد

ص: 25

1- الکافی، ج 5، ص 123، ح 3 ونقل عنه في وسائل الشيعة، ج 17، ص 165، ح 2.

2- شرح القواعد، ج 1، ص 207.

3- الجواهر، ج 22، ص 110.

4- المكاسب، ج 1، ص 379.

چنانکه تعدادی از روایات بر آن دلالت دارد، آنچنان که علم ایشان نسبت به احکام نیز همین گونه می باشد. اما اگر بنا را بر این بگذاریم که علم ائمه اطهار علیهم الصلاة والسلام به موضوعات تابع اراده و اختیار ایشان می باشد - چنانکه روایاتی بر این معنا دلالت دارد - اشکالی متوجه روایت مذکور نمی شود زیرا امکان انجام عمل از ایشان و از روی جهل قبل از اینکه اراده علم کرده باشند وجود دارد» (1).

شیخ استاد ما آیه الله میرزا جواد تبریزی قدس سره می گوید: «همانا برای امام (علیه السلام) غفلت و جهل نسبت به احکام جعل شده در شریعت، امکان پذیر نمی باشد. زیرا جهل و غفلت نسبت به احکام شرع با هدایتگری امام (علیه السلام) و راهنمای برحق بودن و اینکه امام (علیه السلام) مبین احکام شرع می باشد، منافات دارد. اما علم امام (علیه السلام) نسبت به موضوعات خارجی، مطلق می باشد، یا زمانی که اراده کند، اطلاع از حقیقت آن موضوع خارجی پیدا می کند. پس راهی که آن را منشأ اشکال در مثل روایت قرار دهیم، برای ما وجود ندارد» (2).

می گویم: بیان استاد ما قدس سره سخن تمام و کاملی است که به وسیله آن اشکال در روایت حل می گردد.

اما آنچه فقیه سبزواری رحمه الله در کتاب مهذب (3) بیان فرموده به دو دلیل تمام نمی باشد:

[دلیل] اول: امکان بیان راه ها و امارات و اصول و احکام راه ها ظاهری و قرار دادن آنها در حق عالم، در واقعیت و نفس الامر وجود ندارد. زیرا اعتبار این امور در فرض جهل به واقع جریان پیدا

ص: 26

-
- 1- مصباح الفقاهة، ج 1، ص 379.
 - 2- إرشاد الطالب، ج 1، ص 220.
 - 3- مهذب الأحكام، ج 16، ص 144.

می کند.

[دلیل] دوم: بعد از خوردن و بلعیدن ملکیت غیر بر آن ماده باقی نمی ماند، زیرا بعد از خوردن، تلف شدن بر آن صادق می باشد و به قاعده اتلاف، آکل ضامن آن می باشد.

روایت سوم: معتبره السکونی عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: كان ينهي عن

الجوز يجيء به الصبيان من القمار أن يؤكل ، وقال : هو سحت . (1)

معتبره سکونی از امام صادق (علیه السلام) ، سکونی می گوید: امام (علیه السلام) از خوردن گردویی که کودکان از طریق بازی قمار به دست می آوردند نهی می کرد و م یفرمود: آن حرام است.

روایت چهارم: معتبره إسحاق بن عمار قال : قلت لأبي عبد الله (عليه السلام) : يلعبون بالجوز والبيض ويقامرون، فقال: لا تأكل منه فإنه حرام (2).

معتبره اسحاق بن عمار می گوید به امام صادق (علیه السلام) گفتم: کودکان با گردو و تخم مرغ بازی و قمار می کنند. امام (علیه السلام) فرمود از آن نخور، زیرا حرام می باشد.

3- حرمت قمار از دیدگاه اجماع

هیچ اختلافی بین مسلمانان در حرمت بازی با وسایل مخصوص

قمار که با برد و باخت همراه باشد، وجود ندارد، بلکه ممکن است که گفته شود حرمت آن از ضروریات دین می باشد .

1- شیخ طوسی قدس سره در کتاب النهایة می گوید: «ساختن بت ها و صلیب ها و مجسمه های تراشیده شده و نقاشی ها و شطرنج و نرد و

ص: 27

1- الکافی، ج 5، ص 123 ، ح 6 ونقل عنه في وسائل الشيعة، ج 17، ص 166، ح 6.

2- الکافی، ج 5، ص 124 ، ح 10 ونقل عنه في وسائل الشيعة، ج 17، ص 166، ح 7.

دیگر آلات و وسایل قمار حتی بازی کودکان با گردو، تجارت با آن ها، تصرف در آن ها و طلب کسب با آن ها حرام می باشد و از آن نهی شده است» (1).

2- علامه حلی رحمه الله در کتاب منتهی المطلب می گوید: «قمار و هر آنچه که از آن به دست می آید، بدون هیچ اختلافی بین عالمان دینی، حرام می باشد... تا آنجا که می فرماید: تمامی انواع قمار از جمله بازی با نرد و شطرنج و اربعه عشر (2) و بازی با انگشتر حتی بازی کودکان با گردو و براساس احادیثی که در مورد آن وارد شده است حرام می باشد. تمامی علمای ما [شیعه] بر حرمت آن متفق می باشند. شافعی می گوید: بازی با شطرنج جایز می باشد و ابوحنیفه با سخن ما موافق است» (3).

3- شهید ثانی رحمه الله می گوید: «همه اصحاب بازی با وسایل و آلات قمار از جمله شطرنج و نرد و اربعه عشر و غیر آن را تحریم می کنند و جماعتی از عالمان عامه از جمله ابوحنیفه و مالک و برخی از شافعی ها نیز در حرمت بازی با وسایل و آلات قمار با شیعه همراه می باشند» (4).

ص: 28

1- النهایة، ص 363.

2- الأربعة عشر: قطعه من خشب حفر في ثلاثة أسطر ويجعل في الحفر حصی صغار يلعب بها. كذا في المبسوط، ج 8، ص 222، والمسالك ج 14، ص 177، وكشف اللثام، ج 10، ص 291. قطعه چوبی که در آن سه خط رسم شده و در رأس این خطوط فرورفتگی هایی ایجاد می کردند تا کودکان با سنگریزه هایی که در این فرورفتگی ها قرار می دادند، بازی کنند.

3- منتهی المطلب، ج 15، ص 376، (ج 2، ص 1012، چاپ سنگی).

4- المسالك، ج 14، ص 176.

4- محقق اردبیلی قدس سره کلام علامه در منتهی المطلب را بیان می کند و سپس می گوید: «شاید منظور علامه از جمله هیچ اختلافی بین عالمان دینی وجود ندارد» در تحریم وسایل و آلات قمار بعضی از انواع آن باشد و تمامی انواع آن [منظور] نمی باشد» (1).

5- ایشان در جای دیگری می گوید: «قمار بازی با وسایل مخصوص آن نیز می باشد مانند نرد و شطرنج و حتی شامل بازی با انگشتر و گردو و استخوان ها، و ... می شود. و دلیل تحریم انواع قمار، اجماع می باشد» (2).

6- فاضل اصفهانی رحمه الله در ذیل سخن علامه که شهادت قواعد آمده، می گوید: «و کسی که با وسایل و آلات قمار، بازی می کند، فاسق است» می گوید: نزد ما. (3)

می گویم: مراد از (نزد ما) شیعه امامیه می باشد.

7- محدث بحرانی رحمه الله سخن علامه حلی از منتهی المطلب را بدون اضافه و هیچ تعلیقی در کتابش یاد می کند. (4)

8- شیخ جعفر کاشف الغطاء رحمه الله بعد از تعریف قمار و حکم نمودن بر حرمت قمار می گوید: «علت حرمت آن اجماع منقول می باشد» (5).

9- سید علی طباطبایی در کتاب ریاض المسائل می گوید: «قمار با وسایل مخصوص آن مانند نرد و شطرنج و اربعه عشر و

ص: 29

1- مجمع الفائدة والبرهان، ج 8، ص 82.

2- مجمع الفائدة والبرهان، ج 8، ص 41.

3- کشف اللثام، ج 10، ص 290.

4- الحدائق، ج 18، ص 186.

5- شرح القواعد، ج 1، ص 205.

بازی با انگشتر و گردو و تخم مرغ بدون هیچ اختلافی در چیزی از آن حرام می باشد بلکه از کتاب منتهی المطلب و غیر آن اجماع بر حرمت آن بیان شده است و اجماع بعد از کتاب و سنت مستفیضه حجت می باشد...» (1).

10- فاضل نراقی رحمه الله بعد از تعریف قمار می گوید: «بلکه در کتاب منتهی المطلب و غیر آن اجماع بر حرمت آن شده است و در اینجا اجماع حجت می باشد و در مقام استدلال بر اجماع اعتماد می شود» (2).

11- سیّد عاملی رحمه الله می گوید: «همانا قمار عملی حرام می باشد... و این تحریم مذهب اصحاب می باشد» (3).

12- صاحب کتاب جواهر می گوید: «اختلافی در حرمت قمار نیافتم بلکه اجماع محصل و منقول هر دو بر آن دلالت دارد» (4).

13- شیخ اعظم انصاری قدس سره می گوید: «قمار بنابر اجماع حرام است» (5).

14 - محقق خوئی رحمه الله بعد از بیان عدم اختلاف بین فقیهان شیعه و اهل سنت در حرمت قمار می گوید: «بلکه حرمت قمار از ضروریات مذهب اسلام می باشد» (6).

ص: 30

1- ریاض المسائل، ج 8، ص 169.

2- مستند الشیعة، ج 14، ص 103.

3- مفتاح الکرامة، ج 12، ص 184.

4- الجواهر، ج 22، ص 109.

5- المکاسب المحرمة، ج 1، ص 371.

6- مصباح الفقاهة، ج 1، ص 368.

4- حرمت قمار از دیدگاه عقل

عقل حاکم بر آن است که قمار «منشأ فساد و [عامل] گسترش و بسط فساد در جامعه و موجب از بین رفتن سرمایه های مالی و عمر انسان» (1) می شود. پس عقل حکم به قبیح و بدی آن می کند و به تبعیت این حکم عقل، شرع نیز آن را حرام می داند.

از طرف دیگر «به دست آوردن ثروت بدون تجارت و سختی کشیدن و کارکردن موجب ایجاد دشمنی و کینه می شود و اشتغال به قمار مانع از یاد خدا و امتثال احکام الهی می گردد» (2) و عقل بر قبیح تمامی این امور حکم می کند.

ص: 31

1- کما فی مهذب الأحكام، ج 16، ص 140.

2- کما فی مصباح الفقاهة، ج 1، ص 369.

مسأله اول : حکم بازی با وسایل و آلات قمار با برد و باخت

گذشت هر بازی که در آن برد و باخت باشد مصداق تام و کاملی برای قمار است و هیچ فردی در این مطلب اشکالی نمی کند [و همه آن را قمار می دانند]. پس آنچه از آیات و روایات و اجماع و حکم عقل بر حرمت قمار بیان گردید، این مسأله را دربر می گیرد و بر حرمت آن دلالت می کند؛ بلکه می توان گفت، قدر متیقن از مفهوم قمار، همین مورد است.

بدان! اموری در اینجا باید مورد بحث قرار گیرد :

1- حکم ساخت وسایل و آلات مخصوص قمار

2- گرفتن اجرت به سبب ساخت آلات و وسایل مخصوص قمار

3- حکم خرید و فروش وسایل مخصوص قمار

4- حکم بازی با آلات قمار با برد و باخت مالی

5- حکم گرفتن جایزه و مالی که بین دو طرف قمار، قرار داده شده است .

هر آنچه از ادله که تا به اینجا مرور شد بر حرمت تکلیفی تمامی موارد بالا و بر حرمت وضعی در مورد دوم و سوم و پنجم، حکم می کند. در زمان ما، از بارزترین مصادیق قمار «بلیط

بخت آزمایی» است و همانند بازی با اقداح [تیرهایی که به وسیله آن شتر را تقسیم می کردند] که در زمان جاهلیت مرسوم بوده و در آن برد و باخت مالی مطرح بوده و با آلات و وسایل قمار و یا آنچه شبیه به آلات قمار است انجام می شده است. پس در نتیجه بدون هیچ اشکالی (بلیط بخت آزمایی) محکوم به حرمت است.

مسئله دوم : حکم بازی با وسایل و آلات مخصوص قمار بدون برد و باخت

هدف از این بازی صرف مشغولیت و ایجاد محفل انس و دورهمی و طی شدن زمان می باشد، چنانچه امروز در بین برخی از جوانان متداول و مرسوم است.

آیا بازی با وسایل و آلات مخصوص قمار بدون برد و باخت حرام است؟

عالمان دین با بیان وجوهی بر حرمت این بازی استدلال کرده اند:

وجه اول : وجود اجماع و نبودن اختلاف بر حرمت آن

نقد وجه اول : اگر اجماع در اینجا ثابت شود، پس این بازی محکوم به حرمت است ولی ممکن است، در این اجماع مناقشه شود که محل اجماع و نبودن مخالف فقط در مسأله اول است.

و گذشت که نبودن مخالف که فاضل نراقی در مستند می فرماید، رجوع به مسأله اول دارد و در مسأله دوم کاربردی ندارد و آنچه که در مصباح (1) آمده است تمام نمی باشد.

بله، در کتاب شهادت از کتاب های قواعد (2) و دروس (3) تصریح به

ص: 33

1- مصباح الفقاهة، ج 1، ص 369.

2- قواعد الأحكام، ج 3، ص 494.

3- الدروس، ج 2، ص 126.

حرمت شده است و محقق ثانی رحمه الله می گوید: «هیچ تردیدی در تحریم بازی با آلات و وسایل قمار، اگرچه برد و باخت در آن نباشد، وجود ندارد» (1) و فاضل اصفهانی (2) از ایشان تبعیت کرده است و تفصیل سخنان اصحاب در فصل پنجم بحث خواهد آمد. منتظر باش.

وجه دوم: صدق قمار بر بازی با وسایل مخصوص قمار، اگرچه برد و باختی در میان نباشد.

نقد وجه دوم: چنانچه در فصل اول بیان شد، به صرف بازی با وسایل مخصوص قمار، [مفهوم] قمار محقق نمی گردد و مقوم و رکن اصلی قمار وجود برد و باخت [در بازی] می باشد. پس زمانی که در بازی، برد و باختی [مطرح] نیست، مفهوم قمار برای آن صادق نمی باشد. به همین خاطر شیخ اعظم انصاری قدس سره می گوید: «در صدق قمار بر این مورد نظر است» (3).

وجه سوم: در روایات [اهل بیت علیهم الصلاة والسلام] آمده است که هر وسیله ای که با آن قمار شود، بازی با آن، میسر و قمار است و در تعدادی از روایات از بازی با شطرنج و نرد نهی شده است و اگر خدا بخواهد بعضی از آن روایات را در فصل پنجم از بحث بیان خواهیم کرد.

نقد وجه سوم: اگر فقط ما باشیم و این روایات، این روایات برای اثبات حرمت در این مسأله مفید نمی باشند و به همین خاطر

ص: 34

1- جامع المقاصد، ج 4، ص 24.

2- کشف اللثام، ج 10، ص 291.

3- المکاسب المحرمة، ج 1، ص 372.

فاضل نراقی رحمه الله (1) بر حرمت بازی با وسایل مخصوص قمار به غیر از شطرنج و نرد در صورتی که برد و باخت در آن نباشد، اشکال کرده و فرموده اصل در بازی با وسایل قمار بدون برد و باخت عدم حرمت است.

سخن فاضل نراقی رحمه الله، سخنی تمام و کامل بود اگر صحیحه معمر بن خلاد نبود.

صحیحه معمر بن خلاد عن أبي الحسن (عليه السلام) قال: النرد والشطرنج

والأربعة عشر بمنزلة واحدة، وكل ما قمر عليه فهو ميسر. (2)

صحیحه معمر بن خلاد از امام رضا (علیه السلام) که می فرماید: نرد و شطرنج و اربعه عشر همانند یکدیگرند و به منزله چیز واحدی می باشند و هر چیزی که با آن، قمار بازی شود، میسر و قمار است.

تقریب استدلال: در این صحیحه امام (علیه السلام)، بازی اربعه عشر را که در روایات دیگر نیامده است، به بازی نرد و شطرنج اضافه نموده است. سپس حکم می کند که هر سه بازی [همانند یکدیگرند] و به منزله یک چیز می باشند. سپس هر سه بازی به چیزی که با آن قمار می کنند - منظور هر وسیله ای است که از وسایل و آلات قمار باشد - عطف می کند [و می فرماید]: میسر و قمار است. واضح و آشکار است که اگر برد و باختی در میان بود، به خاطر وضوح قمار بودن آن، نیازی نبود که امام (علیه السلام) حکم به میسر و قمار بودن آن بکند. پس در نتیجه، در این صحیحه [حکم] بازی با وسایل قمار بدون برد و باخت، وارد شده است و امام (علیه السلام) از روی تعبّد حکم

ص: 35

1- مستند الشيعة، ج 14، ص 106.

2- وسائل الشيعة، ج 17، ص 323، ح 1 الباب 104 از ابواب ما يكتسب به.

می کند که بازی اربعه عشر، میسر و قمار می باشد.

و استدلال به این صحیحیه در حرمت بازی با وسایل و آلات قمار هرچند با برد و باخت همراه نباشد نزد ما تمام و کامل است.

و خبر فضیل مؤید این صحیحیه می باشد.

خبر الفضیل قال: سألت أبا جعفر (عليه السلام) عن هذه الأشياء التي يلعب بها الناس: النرد والشطرنج حتى انتهت إلى السِّدْر (1)؟ فقال: إذا ميز الله الحق من الباطل مع أيهما يكون؟ قال: مع الباطل، قال: فما لك وللباطل. (2)

فضیل می گوید: از امام باقر (علیه السلام) در مورد اشیایی که مردم با آنها بازی می کنند مانند نرد و شطرنج سؤال کردم تا رسیدم به دوزبازی. حضرت فرمود: اگر خدا حق را از باطل جدا کند این ها در کدام گروهند؟ عرض کردم: در باطل. ایشان فرمود: تو را چه به باطل؟!

الف) بررسی سند خبر: رجال سند در این خبر حتی عبدالله بن عاصم همه از ثقات می باشند و [درباره] علی بن اسماعیل میثمی [باید گفت]: اگر ثقة نباشد، حسن است. در سلسله سند سهل بن زیاد آدمی قمی وجود دارد که در مورد او گفته اند آنچه که

ص: 36

1- السِّدْر لعبه یقامر به فارسیه معربه عن ثلاثة أبواب قال الشيخ في المبسوط، ج 8، ص 222: «والقرق وقال أهل اللغة القرقة ويقال لها بالفارسية سدره، وهي دائرة مربعة يخط فيها خطان كالصليب ويجعل على رؤوس الخط حصى يلعبون بها» السِّدْر: كعب لعبة للصبيان (مجمع البحرين، ج 3، ص 328) وقال ابن الاثير: السدر: لعبة یقامر بها وتكسر سینهها وتضمّ وهي فارسیه معربه عن ثلاثة أبواب (النهاية، ج 2، ص 354). السدر: معرب سه در در زبان فارسی است.

2- وسائل الشيعة، ج 17، ص 324، ح 3.

گفته اند مگر آنکه می گویند - چنانچه از شیخ بهایی رحمه الله نقل شده - امر درباره سهل، سهل و آسان است. از آنجایی که وثاقت او نزد ما ثابت نگردید از سند به خبر تعبیر نموده ایم.

ب) بررسی دلالت خبر: آنگاه که سائل، بعد از نرد و شطرنج تعدادی از وسایل قمار را نام می برد و آن وسایل را با دوز بازی به پایان می برد، امام (علیه السلام) به باطل بودن و حرام بودن آنها حکم می کند. سائل فقط از بازی با آن ها می پرسد و ظهور سؤال [در جایی است که] برد و باختی در میان نباشد.

این روایت مانند نص در مسأله ما می باشد ولی از آنجا که سند روایت به دلیل حضور سهل [در سلسله سند] ضعیف می باشد، این روایت را به عنوان مؤید و تأیید مطلب آوردم.

و اتفاق اصحاب قدس سرهم بر حرمت بازی با وسایل و آلات قمار بدون برد و باخت مؤید بیان ما می باشد و مخالفی را در میان ایشان نیافتیم مگر آنچه از برخی مشایخ ما طاب ثراه حکایت شده است. بله، این مسأله در میان اهل سنت محل اختلاف است.

مسأله سوم: حکم بازی با آلات غیر قمار به همراه برد و باخت

اصحاب بر حرمت این بازی حکم کرده اند و به وجوهی استدلال کرده اند که عبارت است از:

وجه اول: بین اصحاب ما قدس سرهم اختلافی بر حرمت آن وجود ندارد، چنانچه تصریح علامه در کتاب منتهی المطلب (1) بر حرمت آن در فصل دوم، بیان گردید. علامه حلی رحمه الله در کتاب تذکرة الفقهاء نیز تصریح به حرمت آن می کند آنجا که می گوید:

ص: 37

1- منتهی المطلب، ج 15، ص 376، (ج 2، ص 1012، چاپ سنگی).

«قمار و آموزش و یادگیری آن و کارکردن با آن و درآمدزایی به وسیله قمار حتی بازی کودکان با گردو و انگشتر، حرام می باشد». (1)

همچنین در کتاب های قواعد (2) و تحریر (3)، تصریح به حرمت آن شده است محقق ثانی رحمه الله ذیل سخن علامه «حتی بازی کودکان با گردو و انگشتر» می فرماید: «و ممکن است مراد از عبارت قمار حتی بازی کودکان حرام می باشد - تا آخر کلام - که «حتی» بازی کودکان را به قمار دانسته باشد بر این معنا دلالت دارد. مگر آنکه اطلاق تحریم بر بازی کودکان مشکل می باشد. زیرا فعل کودک، به حرمت و غیر آن از احکام شرعیه متصف نمی گردد، مگر آنکه در تأویل آن گفته شود: تکلیف تحریم و سایر احکام متوجه ولی کودک می شود و به او تعلق می گیرد» (4).

می گویم: ظاهر و آشکار است - و خدا داناست - که مثال ایشان به بازی کودکان با گردو و انگشتر به عنوان مثالی برای مسأله در اینجا یعنی بازی با غیر وسایل قمار به همراه برد و باخت می باشد و آشکارترین مصادیق از این وسایل گردو و انگشتر می باشد و به همین خاطر به گردو و انگشتر مثال زده اند. زیرا اغلب کودکان با این دو بازی می کنند. لذا شهید ثانی رحمه الله کلمه کودکان را از شاهد مثال حذف نموده و می گوید: «و از جمله موارد قمار بازی با گردو و انگشتر می باشد» (5).

ص: 38

1- تذكرة الفقهاء، ج 12، ص 141، مسأله 646.

2- قواعد الأحكام، ج 2، ص 8.

3- تحریر الأحكام الشرعية، ج 2، ص 260.

4- جامع المقاصد، ج 4، ص 25.

5- المسالك ج 3، ص 129.

بزرگان دیگری نیز بر حرمت این بازی حکم کرده اند که عبارتند از:

1- محقق اردبیلی رحمه الله که می گوید «دلیل تحریم همه این موارد، اجماع می باشد» (1).

2- محقق سبزواری رحمه الله در کتاب کفایة الأحكام (2).

3- صاحب کتاب کشف اللثام رحمه الله که می گوید: «و انگشتر و اگر چه بازیکن با یکی از آنها قصد مهارت آموزی یا قصد مشغولیت یا قصد قمار داشته باشد، هیچ فرقی در قصد او وجود ندارد، محکوم به فسق می باشد و شهادت او رد می شود به خاطر آنچه که شنیدی» (3).

4- سید مهدی بحر العلوم طباطبایی رحمه الله، تصریح به عدم اختلاف در حرمت و فساد در آن کرده است. (4)

5- شیخ جعفر کاشف الغطاء رحمه الله در شرح خود بر کتاب قواعد، ادعای اجماع منقول در آن دارد. (5)

6- سید صاحب کتاب ریاض المسائل رحمه الله، ادعا در نبودن مخالف بر حرمت آن را دارد. (6)

7- فاضل نراقی رحمه الله مستند الشیعة. (7)

8- صاحب جواهر رحمه الله در کتاب سبق و رمایه. (8)

ص: 39

1- مجمع الفائدة والبرهان، ج 8، ص 41.

2- کفایة الأحكام، ج 1، ص 441.

3- کشف اللثام، ج 10، ص 291.

4- المصاییح مخطوط ونقل عنه الشیخ الأنصاری فی المکاسب، ج 1، ص 357.

5- شرح القواعد، ج 1، صص 205 و 306.

6- ریاض المسائل، ج 8، ص 169.

7- مستند الشیعة، ج 14، ص 104.

8- الجواهر، ج 28، صص 218 و 219.

9- شیخ اعظم انصاری رحمه الله در کتاب مکاسب محرمة. (1)

ظاهر است که نزد اصحاب ما [شیعه] اعلی الله کلماتهم، بر حرمت بازی با غیر وسایل مخصوص قمار با وجود برد و باخت مالی، اجماع وجود دارد و بسیاری از اهل سنت نیز با ما موافق می باشند. (2)

وجه دوم: مفهوم قمار چنانچه در فصل اول گذشت بدون هیچ مسامحه و عنایتی بر این نوع از بازی [بازی با وسایل غیرقمار به همراه برد و باخت] صدق می کند و برخی از اصحاب مانند سید ریاض (3) و شیخ اعظم (4) و محقق خوئی (5) قدس سرهم تصریح به قمار بودن آن کرده اند. در نتیجه زمانی که مفهوم قمار بر آن بازی صدق نماید، مشمول تمامی ادله حرمت و اطلاقات آن می گردد.

وجه سوم: روایات بر حرمت این بازی وارد شده است:

روایت اول: معتبره اسحاق بن عمار (6) که متن آن بیان گردید. این معتبره مانند نص در مقام دلالت بر حرمت تکلیفی و حرمت وضعی دارد.

روایت دوم: حسنه عبدالحمید بن سعید (7) که متن آن بیان گردید. این روایت نیز دلالت بر حرمت تکلیفی و حرمت وضعی دارد.

روایت سوم: صحیحة حفص عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: لا سبق إلا في

ص: 40

1- المكاسب، ج 1، ص 375.

2- كما نقل عنهم في مصباح الفقاهة، ج 1، ص 374.

3- رياض المسائل، ج 10، ص 238.

4- المكاسب، ج 1، ص 375.

5- مصباح الفقاهة، ج 1، ص 375.

6- وسائل الشیعة، ج 17، ص 166، ح 7.

7- وسائل الشیعة، ج 17، ص 165، ح 2.

خف أو حافر أو نصل، يعني النضال. (1)

صحیحہ حفص از امام صادق (علیه السلام) که فرمودند: مسابقه روا نیست مگر در شتر دوانی یا اسب سواری یا تیراندازی.

مراد از این صحیحہ آن است که مسابقه در غیر از موارد استثنا [شتر دوانی، اسب سواری و تیراندازی] در صورتی که با برد و باخت همراه باشد جایز نمی باشد.

روایت چهارم: حسنة أبي بصير عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: ليس شيء تحضره الملائكة إلا الرهان وملاعبة الرجل أهله. (2)

حسنه ابی بصیر از امام صادق (علیه السلام) که فرمودند: چیزی نیست که فرشتگان در آن حضور یابند جز مسابقه ای که جایز است و بازی کردن جنسی مرد با همسرش.

مراد از مسابقه برد و باخت مالی در موارد استثنا می باشد [شتر دوانی، اسب سواری و تیراندازی]، و شاهد بر آن است:

مرسلة الصدوق عن الصادق (عليه السلام) قال: إن الملائكة لتتفر عند الرهان وتلعن صاحبه ما خلا الحافر والخف والریش (3) والنصل، وقد سبق

ص: 41

1- وسائل الشيعة، ج 19، ص 252، ح 1، باب 3 من ابواب كتاب السبق والرمایه.

2- وسائل الشيعة، ج 19، ص 250، ح 4، و ج 19، ص 251، ح 1.

3- مراد به ریش در این روایت پری است که بر روی تیر در زمان گذشته نصب می شده و الا مسلم است که برد و باخت مالی در پرندگان قمار محسوب می شود و شیعه و سنی اتفاق دارند غیاث بن ابراهیم این روایت را از قول رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم: « لا سبق إلا في الخف (الإبل) والحافر (الفرس) والریش (الطيور) والجناح (بدلاً من الریش)» جعل کرد؛ و بدان «الریش» را افزود تا کبوتران را که مورد توجه خلیفه وقت مهدی ابن منصور عباسی بودند در آن داخل کند و خلیفه را از خود خشنود گرداند. تفصیل این داستان را سیوطی در تاریخ الخلفاء، ص 261، باب المهدی العباسی؛ و التدریب، ج 1، ص 285-286؛ و الموضوعات لابن الجوزی، ج 1، ص 42؛ و جامع الاصول لابن الاثیر ج 1، ص 76؛ و الباعث الحثیث، ص 94؛ و شرح النخبة ص 20؛ و علوم الحدیث ص 268 و شهید ثانی در البداية ص 56، (چاپ بقال، ج 1، ص 157)؛ و مسالک ج 14، ص 188؛ و الرواشح السماویة ص 196؛ و فتح المغیث، ج 1، ص 240؛ و مجمع البحرین، ج 4، ص 406؛ و وحید بهبهانی در حاشیه مجمع الفائدة و البرهان ص 533؛ و صاحب جواهر ج 42، ص 80 (چاپ جامعه مدرسین) و ج 41، ص 56 (چاپ اسلامیة) و شیخ عبدالله مامقانی در مقباس الهدایة فی علم الدراية، ج 1، ص 406 نقل کرده اند.

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وأسامة بن زيد وأجرى الخيل. (1)

مرسله صدوق از امام صادق (عليه السلام) که فرمودند: همانا ملائکه از مسابقه با برد و باخت مالی بیزارند و صاحبش را لعنت می کنند جز در مسابقات اسب سواری و شتردوانی و پر تیر و تیراندازی و رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم با اسامة بن زيد مسابقه اسب سواری داد.

و شاهد دیگر بر آن :

صحیحة حفص بن البختری عن أبي عبد الله (عليه السلام) إنه كان يحضر الرمي والرهان. (2)

صحیحه حفص بن بختری از امام صادق (عليه السلام) است که ایشان در مسابقه تیراندازی و سوارکاری حاضر می شد .

بدین معنا که امام صادق (عليه السلام) در مسابقه تیراندازی که با برد و باخت همراه بود و یا در مسابقه اسب سواری و شتردوانی که با برد و باخت همراه بود حاضر می شدند.

روایت پنجم: صحیحة محمد بن قیس عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: قضى أمير المؤمنين (عليه السلام) في رجل آكل وأصحاب له شاة، فقال: إن أكلتموها فهي لكم

ص: 42

1- وسائل الشيعة، ج 19، ص 251، ح 6.

2- وسائل الشيعة، ج 19، ص 252، ح 4.

وإن لم تأكلوها فعليكم كذا وكذا، فقضى فيه: أن ذلك باطل لا شيء في المؤاكلة من الطعام ما قل منه وما كثر ومنع غرامته فيه. (1)

صحيحه محمد بن قيس از امام باقر (عليه السلام) که فرمودند: امير المؤمنين (عليه السلام) درباره مردی که خود و يارانش یک گوسفند را خوردند، او [صاحب گوسفند] گفت: اگر این گوسفند را خوردید، آن برای شماست و اگر نخوردید، بر شماست که فلان مقدار خسارت بدهید، قضاوت کرد که این حکم باطل است و چیزی برعهده خورندگان غذا - چه غذا کم باشد یا زیاد باشد - نیست و حضرت از خسارت گرفتن در اثر نخوردن کامل آن منع کرد.

تمامی رجال سند حتی یوسف بن عقیل بجلی ثقه می باشند، نجاشی در حق یوسف بن عقیل بجلی می گوید: «ایشان اهل کوفه و ثقه می باشد که از او روایت کمی نقل شده است. اهالی قم می گویند: او صاحب کتاب است در حالی که آن نوشته در نزد من می باشد و نویسنده آن کتاب، محمد بن قیس است» (2).

تقریب استدلال: امیرالمؤمنین (عليه السلام) بر بطلان عقد خوردن در مثل گوسفند و مانند آن قضاوت فرمود، چرا که صاحب گوسفند، اباحه خوردن آن را مشروط به تحقق شرط متأخر نموده بود. (و آن شرط متأخر عبارت است از خوردن تمام آن یا مقدار معینی از آن).

پس اگر عقد باطل گردید، اباحه ای برای خوردن وجود ندارد و بر فرض نخوردن نیز ضمانتی که در عقد آمده، محقق نخواهد شد. و پرداخت نکردن خسارتی که در پایان حدیث آمده به محقق نشدن

ص: 43

1- الكافي، ج 7، ص 428 ح 11؛ التهذيب، ج 6، ص 290، ح 10؛ ونقل عنهما في وسائل الشيعة، ج 23، ص 192، ح 1، الباب 5 من أبواب كتاب الجعالة.

2- رجال النجاشي، ص 452، رقم 1221.

ضمان برمی گردد.

حال بعد از بطلان عقد، اگر با خوردن گوسفند یا غیر آن از خوردنی ها، آن را از بین بردند ذمه ایشان مشغول به ضمان اتلاف می باشد. این معنا برای کسی که اهل تأمل و تفکر در این روایت باشد، روشن است. و این عقد در واقع قسمی از اقسام قمار محسوب می گردد و [شاهد مثالی] برای قسم سوم [بازی با غیر وسایل قمار به همراه برد و باخت] می باشد.

و از همین قسم است: اگر دو نفر در امور عادی یا علمی و غیر آن در بین خود شرط کنند بر شی ای که مالیت دارد که اگر یکی از آن ها پیروز گردید یا سخن او صحیح از کار درآمد، آن شیء برای او باشد.

به هر ترتیب اگر بین دو طرف برد و باختی [مطرح باشد]، داخل در عنوان قمار است و حرام می باشد. برخلاف عمومی گرامی ما آیه الله شیخ محمد علی نجفی قدس سره متوفای 1318ق که در رساله خود

به نام معاصی کبیره حکم به جواز در این مسأله اخیر [برد و باخت در مسائل عادی یا علمی] داده است (1).

مسأله چهارم : حکم عموم مسابقات بدون برد و باخت

آیا مسابقه دادن با وسایلی که با آن ها قمار نمی شود، بدون برد و

باخت جایز است یا جایز نمی باشد؟

جماعتی از اصحاب ما قدس سرهم حکم به ممنوعیت چنین مسابقه ای کرده اند و چه بسا، قول مشهور همین باشد و در مقابل عده ای هم حکم به جواز کرده اند .

ص: 44

1- معاصی کبیره، ص 147 (ص 111 چاپ سنگی).

از جمله بزرگانی که حکم به ممنوعیت چنین مسابقه ای کرده اند:

1- شیخ الطائفه قدس سره می باشد. ایشان در کتاب مبسوط می گوید: «اما در آنجا که خبری درباره آن وارد نشده است، مذهب ما آن

است که مسابقه با آن جایز نمی باشد...» (1).

ظاهر آن است که کلام ایشان حمل بر اطلاق می شود یعنی چه عوضی در میان باشد و چه بدون عوض و این اطلاق از کلام بعدی وی فهمیده می شود. پس به کتاب ایشان مراجعه کن .

2- علاء مه در کتاب تذکره آنجا که می گوید: «نزد تمامی عالمان ما شیعه [مسابقه کشتی با عوض و بدون آن جایز نمیباشد. به سبب عمومیت نهی وارده به جز در مسابقه شتر دوانی و اسب سواری و تیراندازی ... نزد عالمان ما مسابقه سنگ پرانی با دست و مسابقه سنگ پرانی با قلاب سنگ و مسابقه سنگ پرانی با منجنیق، چه عوضی در میان باشد و چه بدون عوض جایز نمی باشد نزد علمای ما مسابقه با وسائل نقلیه مانند هر آنچه بر آن سوار می شوند و کشتی ها و انواع پرنده ها جایز نمی باشد ... مسابقه شاخ زنی و جنگ قوچ ها و به هم پراندن خروس ها چه با عوض و چه بدون آن جایز نمی باشد و همچنین مسابقه با چیزهایی که در جنگ از آنها استفاده نمی شود جایز نیست...» (2).

3- محقق ثانی رحمه الله می گوید: «و هر طور که باشد، [آنچه از] ظاهر مذهب استفاده می شود تحریم است؛ ولی دلیل تحریم ظاهر

ص: 45

1- المبسوط، ج 6، ص 291.

2- تذکره الفقهاء، ج 19، ص 15، مسأله 887 و ص 17، مسأله 889 و 890 (ج 2، ص 354 از چاپ سنگی).

نیست چون این مسابقه گاهی به جهت لهو و لعب انجام می شود - تا اینکه می فرماید - راهی به تحریم این موارد نیافتیم و شکی در این نیست که اگر علت دیگری به این مسابقه شود ضمیمه شود، مطلب دیگری می شود، مانند دشمنی هر یک با دیگری که در این صورت حکم به حرمت آسان تر می شود. ولی نمی توان به خاطر این ضمیمه حکم به حرمت فعلی کرد» (1).

می گویم: تو میبینی اگرچه ایشان نقل میکنند که ظاهر مذهب [شیعه] تحریم است ولی می فرماید: «علت تحریم مشخص نمی باشد» و حکم به جواز می کند و استدلال برای جواز اقامه می نماید. پس صحیح آن است که محقق کرکی را از قائلین به جواز بدانیم.

4- ابن فهد حلی رحمه الله می گوید: «پس در غیر از موارد استثنا

[شتردوانی و اسب سواری و تیراندازی] مسابقه جایز نمی باشد، یکسان است عوضی در میان باشد یا مسابقه بدون عوض باشد». (2)

5- سید در کتاب ریاض می گوید: «و در جواز مسابقه بدون عوض اشکال است که منشأ این اشکال، از اختلاف موجود در روایت که (باء) در لفظ (سبق) مفتوح است [باید با فتح خواننده شود (سَبَق)] یا ساکن است [سبق]... ولی آنچه شهرت دارد عدم جواز این مسابقه می باشد. بلکه آنچه که از ظاهر کتاب مذهب (3) و سخن محقق ثانی (4) و تصریحی که از کتاب تذکره (5) حکایت شده است،

ص: 46

1- جامع المقاصد، ج 8، ص 326.

2- المذهب البارع، ج 3، ص 82.

3- لم أجده في المذهب للقاضي، نعم قد ورد في المذهب البارع كما مرّ.

4- جامع المقاصد، ج 8، ص 326.

5- وقد مرّ كلام التذكرة.

بیانگر آن است که در تمامی موارد یاد شده اجماع علمای امامیه بر عدم جواز می باشد. پس حرمت چنین مسابقه ای به خاطر حجیت اجماع منقول مخصوصاً با تعدد نقل اجماع و یاری جستن از شهرت، آشکار می باشد...» (1).

اما سخنان بزرگانی که حکم به جواز چنین مسابقه ای کرده اند:

1- همان طور که بیان گردید محقق ثانی معتقد به جواز می باشد.

2- شهید ثانی رحمه الله در مسالک می گوید: «مراد از روایت «لا سبق إلا...» آن است که دریافت عوض در این معاملات مگر در این سه مورد صحیح نمی باشد. بنابر این اگر در مسابقات عوضی در میان نباشد، جواز آن نفی نمی گردد» (2). ایشان در جای دیگر کتاب مسالک صریحاً به جواز این [نوع از] مسابقه فتوا داده اند هرچند که غیر از موارد سه گانه باشد، در صورتی که برد و باخت مالی در آن نباشد. (3)

3. محقق اردبیلی رحمه الله در مجمع الفائدة و البرهان. (4)

4. محقق سبزواری رحمه الله می گوید: «و به طور کلی اصل جواز می باشد و تحریم نیازمند دلیل است. هرچند تحریم قمار حتی در بازی کودکان با گردو بیان گردید، تحریم بعضی از وسایل و آلات قمار مانند شطرنج و نرد هر چند در آن ها عوض و برد و باختی در میان نباشد دانسته شد [با تمام این احوال] مثل مسابقه دو و

ص: 47

1- ریاض المسائل، ج 10، ص 238.

2- مسالک، ج 6، ص 70.

3- مسالک، ج 6، ص 87.

4- مجمع الفائدة و البرهان، ج 10، ص 168.

می دانی و غیر آن، البته در صورتی که در آن عوض و جایزه و برد و باختی نباشد، به حجتی که [بیانگر] حرام بودن آن باشد، علم پیدا نکردم [و دست نیافتیم]» (1).

5- صاحب کتاب حدائق می گوید: «و تو آگاه هستی که به اعتبار تعارض بین دو احتمال ذکر شده، استدلال به خبری که [حکم به] ممنوعیت می کند امکان ندارد و اصالة الجواز باقی می ماند در حالی که معارض وجود ندارد و اخبار یاد شده [به عنوان] شاهد بر جواز می باشند. علاوه بر آنکه فایده هایی بر این مسابقات مترتب می باشد.» (2).

6- وحید بهبهانی رحمه الله در تعلیقه خویش بر کتاب مجمع الفائدة و البرهان (3) قائل به جواز می باشد.

7- شیخ جعفر کاشف الغطاء رحمه الله می گوید: «... اما صرف این کار [مسابقه بدون برد و باخت] دلیل معتبری بر حرام بودن آن اقامه نگردیده است. در نتیجه مسابقه و قدرت نمایی در صورتی که برد و باختی در میان نباشد، جایز است و در صورتی که برد و باخت همراه شود، حرام است مگر آنچه که استثنا شده است...» (4).

8- شاگرد ایشان صاحب کتاب جواهر می گوید: «اما فعل او به گونه ای نیست که بر آن عقد مسابقه و برد و باخت مالی بسته شود، پس ظاهر جواز آن است. به سبب اصل و سیره مستمره ای که در تمامی زمان ها و مکان ها بین عموم مردم و عالمان جاری بوده

ص: 48

1- کفاية الأحكام، ج 1، ص 718.

2- الحدائق، ج 22، ص 366.

3- حاشية مجمع الفائدة والبرهان ص 534.

4- شرح القواعد، ج 1، ص 206.

است و همچنین گزارش روایتی که حکایت از گشتی گرفتن امام حسن و امام حسین علیهما السلام و مسابقه خطی که برگزار کردند و مسابقه در پیدا کردن دانه گردنبند مادرشان، بلکه...» (1).

فقهاء برای اثبات حرمت به وجوهی استدلال کرده اند که [عبارت است از]:

وجه اول: اجماعی که در کتاب ریاض ادعا شده است. (2)

می گویم: در استدلال بر این اجماع [اشکالی وارد است] به تحقیق تو دانستی که اجماع در اینجا تمام و کامل نمی باشد، زیرا در این مسأله مخالف وجود دارد و جمعی از عالمان قائل به جواز می باشند و حکم به حرمت در آن تعدی نیست.

وجه دوم: آنچه در روایات آمده است جواز مسابقه را در سه بازی منحصر می داند.

از این روایات است :

صحیحة حفص بن البختری عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال : لا سبق إلا في

خف (3) أو حافر (4) أو نصل (5) ، یعنی النضال . (6)

صحیحه حفص بن بختری از امام صادق (علیه السلام) می باشد که فرمودند: مسابقه روا نیست مگر در شتردوانی یا اسب سواری یا تیراندازی.

ص: 49

1- الجواهر، ج 28، ص 220.

2- ریاض المسائل، ج 10، ص 238.

3- الخف: الإبل، ویتناول الفیلة أيضاً لغة.

4- الحافر: الفرس، ویتناول الحمار والبغل لغة.

5- النصل: الرمي.

6- وسائل الشیعة، ج 19، ص 252، ح 1، الباب 3 از ابواب کتاب السبق والرمایة.

تقریب استدلال: همانا این روایت و مانند آن در مقام حصر مسابقه در این سه مورد می باشند، در نتیجه در غیر این سه مورد، [مسابقه دیگری] جایز نمی باشد.

نقد استدلال: دو اشکال بر این استدلال وارد است :

1- مراد از مسابقه در اینجا مسابقه ای است که در آن عوض و برد و باخت و جایزه وجود داشته باشد به همین خاطر فقهاء به جواز گرفتن جایزه در مسابقه با اسب و شتر و تیراندازی فتوا داده اند.

2- استدلال [به این روایت در صورتی صحیح است] که مبنای خواندن (السبق) به سکون (باء) باشد، که در این صورت مصدر باب (سَبَقَ، يَسْبِقُ) می باشد، در حالی که این ثابت نیست، زیرا احتمال دارد قرائت آن (سَبَقَ) با (باء مفتوح باشد که در این صورت به معنای عوض و برد و باخت می باشد، بدین معنا که گرفتن عوض و جایزه و برد و باخت در مسابقه جایز نمی باشد، مگر در این سه مورد. پس زمانی که هیچ یک از دو قرائت ثابت نیست، امکان استدلال به این روایت بر حرمت مسابقه در غیر موارد سه گانه بدون عوض و جایزه و برد و باخت وجود ندارد.

وجه سوم: گفته شده است: مفهوم قمار بر تمامی مسابقات صدق می کند هر چند کند هر چند که برد و باختی در آن نباشد.

نقد استدلال: در این استدلال [اشکال وجود دارد]: همان گونه که بیان گردید مقوم قمار نزد اهل لغت و عرف وجود عوض و جایزه، و وجود برد و باخت می باشد. در نتیجه وقتی در اینجا عوض و جایزه ای یافت نمی شود بر آن مسابقه مفهوم قمار صدق نمی کند.

وجه چهارم: این مسابقات در عنوان (لهو و لعب خوشگذرانی و بازی) داخل می شوند که حرام می باشند و دلالت بر آن می کند:

خبر عبدالله بن علي عن الرضا (عليه السلام) عن آبائه عليهم السلام عن علي (عليه السلام) قال: كَلَّمَا أَلْهَى عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَهُوَ مِنَ الْمَيْسِرِ (1).

خبر عبدالله بن علي از امام رضا (عليه السلام) از پدران خود عليهم السلام از امير المؤمنين علي (عليه السلام) که فرمودند: هر چیزی که انسان را از یاد خدا باز دارد، از میسر و قمار است.

ومرفوعة علي بن إسماعيل رفعه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: اركبوا وارموا، وإن ترموا أحب إلي من أن تركبوا. ثم قال: كلّ لهُو المؤمن باطل إلا في ثلاث: في تأديبه الفرس ورميه عن قوسه وملاعبته إمرأته، فإنهن حق، ألا إن الله عز وجل ليدخل بالسهم الواحد الثلاثة الجنة: عامل الخشبة والمقوي به في سبيل الله، والرامي به في سبيل الله. (2)

و مرفوعه علی بن اسماعیل از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که فرمودند: سوار کاری کنید و تیراندازی نمایید و اگر تیراندازی کنید نزد من محبوب تر از سوارکاری می باشد. سپس فرمودند: هر مشغولیت و سرگرمی برای مؤمن باطل می باشد مگر در سه کار تربیت اسب ها و پرتاب تیر از کمان و بازی جنسی مرد با همسرش. به تحقیق این سه حق و از سنت می باشد. آگاه باشید همانا خداوند با یک تیر، سه نفر را در بهشت داخل می کند: سازنده آن تیر از چوب و تنظیم کننده آن در راه خدا و کسی که آن تیر را در راه خدا رها می کند.

نقد استدلال: بر این وجه اشکالاتی وارد است:

1- حرمت مطلق لهُو و لعب [خوشگذرانی و سرگرمی و بازی]

ص: 51

1- أمالي طوسي، المجلس الثاني عشر، ح 336/21 رقم 681 ونقل عنه في وسائل الشيعة، ج 17، ص 315، ح 15، الباب 100 من أبواب ما يكتسب به.

2- وسائل الشيعة، ج 15، ص 140، ح 3، الباب 58 از ابواب جهاد العدو.

ثابت نگردیده است. مانند بازی با سنگ ها و چوب ها و درخت ها و تسبیح و ریش و مانند آن .

2- نسبت بین لهُو (بازی و سرگرمی) و مسابقات عموم و خصوص من وجه می باشد. [یعنی برخی از مسابقات لهُو هستند و بعضی از بازی ها، مسابقه می باشند]. زیرا در برخی از مسابقات اهداف عقلایی از قبیل سلامتی بدن و پرورش اندام و قوی کردن بدن و معالجه و درمان بدن و دوری از مریضی و تفریح و مانند آن وجود دارد.

3- سخن خداوند تبارک و تعالی که از برادران یوسف حکایت می کند، که بر مباح بودن بعضی از اقسام بازی دلالت می کند:

«أَرْسَلُهُ مَعَنَا غَدًا يَزْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (1)

فردا او را با ما روانه کن تا [در دشت و صحرا] بگردد و بازی کند، قطعاً ما حافظ و نگهبان او خواهیم بود.

می گویم: حاصل کلام آن است که دلیل بر حرمت مسابقات مختلفی که با برد و باخت مالی همراه نمی باشد، وجود ندارد و عوضی که در این مسابقات توسط شخص ثالث معین می گردد، نزد ما جایزه می باشد و جمعی از اصحاب قدس سرهم به آن فتوا داده اند. دلالت می کند بر آن :

معتبرة بل صحیحة زید الشحام عن أبي عبد الله (عليه السلام) عن آبائه عليهم السلام في حديث فأقبل [رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم] بهما [بالحسن والحسين عليهم السلام] إلى منزل فاطمة وقد ادخرت لهما، تمريرات فوضعتها بين أيديهما فأكلا وشبعا وفرحا، فقال لهما

ص: 52

1- سوره يوسف آیه 12 .

النبي صلى الله عليه وسلم : قوما الآن فاضطرعا، فقاما ليصطرعا وقد خرجت فاطمة عليها السلام في بعض حاجتها، فدخلت فسَمِعَت النبي صلى الله عليه وآله وسلم وهو يقول: إيه يا حسن، شدّ على الحسين فاضرعه، فقالت له: أبه، واعجباه، أُشجّع هذا على هذا؟ أُشجّع الكبير على الصغير؟! فقال لها: يا بُنَيَّة، أما ترضين أن أقول أنا، يا حسن شدّ على الحسين فاضرعه وهذا حبيبي جبرئيل يقول: يا حسين شدّ على الحسن فاضرعه . (1)

معتبره بلکه صحیحه زید شحام از امام صادق (علیه السلام) از پدرانش علیهم السلام در حدیثی [نقل می کند]: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم ، حسن و حسین علیهم السلام را به منزل فاطمه [سلام الله علیها] آورد و فاطمه [سلام الله علیها] چند خرما برای ایشان ذخیره کرده بود. خرماها را در دستان ایشان گذاشت تا بخورند و سیر شوند و شادمان شوند. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به آن دو فرمود: برخیزید و با یکدیگر کشتی بگیرید، در این حال فاطمه علیها السلام برای کاری بیرون رفت و وقتی که بازگشت شنید که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید: مرحبا ای حسن! بر حسین سخت بگیر. فاطمه سلام الله علیها فرمود: پدر جای تعجب دارد، آیا او را بر این کار تحریک می کنید؟ آیا بزرگ تر را بر کوچک تر تحریک می کنید؟ رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: دخترم آیا نمی پسندی که بگویم: ای حسن بر حسین سخت بگیر و او را بر زمین بزن، این حبيب من جبرئیل است که می فرماید: ای حسین بر حسن سخت بگیر و او را به زمین بزن .

و دلالت می کند بر آن :

صحیحة غیاث بن ابراهیم عن الصادق (علیه السلام) عن ابيه (علیه السلام) عن جده (علیه السلام)

ص: 53

1- آمالی الصدوق، المجلس الثامن والستون، ح 530/8، رقم 718؛ ونقل عنه مستدرک الوسائل، ج 14، ص 81، ح 1.

قال : مر رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بقوم يرفعون حجراً ، فقال : ما هذا؟ قالوا: نعرف بذلك أشدنا وأقوانا، فقال صلى الله عليه وآله وسلم : ألا أخبركم بأشدكم وأقواكم؟ قالوا: بلى يا رسول الله، قال: أشدكم وأقواكم الذي إذا رضي لم يدخله رضاه في إثم ولا باطل، وإذا سخط لم يخرج منه سخطه من قول الحق، وإذا قدر لم يتعاط ما ليس له بحق. (1)

صحيحه غياث بن ابراهيم از امام صادق (عليه السلام) از پدرش امام باقر (عليه السلام) از جدش (عليه السلام) [نقل می کنند]: رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم از کنار گروهی عبور می کردند که سنگی را به عنوان وزنه بلند می کردند. از ایشان [علت را] سؤال نمود این چه کاری است؟ پاسخ دادند: به وسیله این کار قوی ترین و قدرتمندترین فرد را در میان خودمان می شناسیم. رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: آیا شما را از قوی ترین و قدرتمندترین فرد از میان شما باخبر نمایم؟ گفتند: بلی ای رسول الله! ایشان فرمود:

قوی ترین و قدرتمندترین شما کسی است که زمانی که خشنود است، آن خشنودی او را در گناه و باطل داخل نمی سازد و زمانی که خشمگین است، آن خشم او را از گفتن حق خارج نمی کند و زمانی که قدرت و توانایی می یابد، آن قدرت او را به دست اندازی به چیزی که حق او نیست، نمی کشاند».

و دلالت می کند بر آن :

صحيحه علي بن جعفر عن أخيه أبي الحسن (عليه السلام) قال: سألته عن المحرم يصارع هل يصلح له؟ قال: لا يصلح له مخافة أن يصيبه جراح أو يقع بعض

ص: 54

صحیحة علی بن جعفر از برادرش امام کاظم (علیه السلام) که فرمودند: درباره شخص مُحرّم، سؤال کردم که آیا می تواند گشتی بگیرد؟ ایشان فرمود: [به دلیل] ترس از جراحت برداشتن و زخمی شدن یا کنده شدن موهایش، کشتی گرفتن برای محرم جایز نیست.

و مؤید این مطلب است :

خبر ابی رافع قال: كنتُ ألاعب الحسن بن علي (عليه السلام) وهو صبي بالمداحي (2) ، فإذا أصابت مدحاتي مدحاته قلت: احملني، فيقول: ويحك أتركب ظهراً حملة رسول الله فأترك، فإذا أصاب مدحاته مدحاتي، قلت: لا أحملك كما لم تحملي، فيقول: أو ما ترضى أن تحملي بدنأ حملة رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ، فأحملة . (3)

خبر ابی رافع که می گوید: با حسن بن علی (علیه السلام) بازی مداحی [نوعی بازی که با سنگ انجام می شود] می کردم در حالی که ایشان کودک بود. هنگامی که سنگ های من به سنگ هایش اصابت کرد به او گفتم: به من سواری بده و مرا حمل کن. ایشان فرمود: وای بر تو آیا بر پشتی سوار می شوی که رسول خدا به او سواری داده است؟ پس از خواسته ام گذشتم [در ادامه بازی] سنگ های ایشان با سنگ های من برخورد کرد، گفتم: همان طور که به من سواری ندادی، من نیز به تو سواری نمی دهم. ایشان فرمود: آیا راضی نمی شوی بدنی را که

ص: 55

-
- 1- وسائل الشيعة، ج 12، ص 563، ح 2 باب 94 من ابواب تروك الإحرام.
 - 2- المداحي: وهي أحجار أمثال القرصة، كانوا يحفرون حفيرة ويدحون فيها بتلك الأحجار، فإن وقع الحجر فيها قد غلب صاحبها، وإن لم يقع غلب كما في النهاية، ج 2، ص 106 ، ونحوها في الفائق، ج 1، ص 418.
 - 3- بشارة المصطفى صلى الله عليه وآله وسلم الشيعة المرتضى (عليه السلام) ص 140 ، ونقل عنه في مستدرک الوسائل، ج 14، ص 83، ح 3.

رسول خدا آن بدن را حمل کرده است، حمل نمایی. پس به او سواری

دادم.

و مؤید دیگر این مطلب روایتی است که عامه نقل کرده اند :

أن النبي صلى الله عليه وآله وسلم سابق عائشة بالقدم.

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم با عایشه مسابقه دو داد.

[این روایت را] شیخ در کتاب مبسوط (1) و محدث بحرانی در کتاب حدائق (2) و وحید بهبهانی در تعلیقه خود بر مجمع الفائدة (3) نقل کرده اند.

و احمد در مسندش (4) و ابو داود در سننش (5) و ابن ماجه در سننش (6) و ابن قدامه در مغنی (7) این روایت را آورده اند .

و مؤید سخن ما مرسله‌های است که شیخ بیان می کند که:

روي أن النبي صلى الله عليه وآله وسلم خرج إلى الأبطح فرأى يزيد بن ركانة يرعي أعزراً له، فقال للنبي: هل لك في أن تصار عني؟ فقال له النبي صلى الله عليه وآله وسلم: ما تسبق لي؟ فقال: شاة، فصارعه فصصره النبي صلى الله عليه وآله وسلم، فقال للنبي: هل لك في العود؟ فقال النبي: ما تسبق لي؟ فقال: شاة، فصارعه فصصره، فقال للنبي: هل لك في العود؟ فقال النبي صلى الله عليه وآله وسلم: ما تسبق لي؟ فقال شاة، فصارعه فصصره، فقال للنبي عرض عليّ الإسلام، فما أحد وضع جنبي على الأرض، فعرض عليه الإسلام فأسلم وردّ

ص: 56

1- المبسوط، ج 6، ص 291.

2- الحدائق، ج 22، ص 364.

3- حاشية مجمع الفائدة و البرهان ص 534 .

4- مسند احمد، ج 6، ص 264.

5- سنن ابى داود، ج 2، ص 34، ح 2578.

6- سنن ابن ماجه ج 1 ص 636، ح 1979.

7- المغني، ج 9، ص 368.

روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به سوی دشت مکه (ابطح) خارج شد. در میان راه یزید بن رکنه را دید که از گوسفندانش محافظت می کند. یزید به پیامبر گفت: آیا با من کشتی می گیری؟ پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: در مقابل آن به من چه می دهی؟ گفت: گوسفندی را. پیامبر با او کشتی گرفت و او را بر زمین زد. به پیامبر عرضه داشت: آیا دوباره کشتی می گیری؟ پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: در مقابل به من چه می دهی؟ گفت: گوسفندی را. پیامبر با او کشتی گرفت و او را به زمین زد. به پیامبر گفت: برای بار سوم با من کشتی می گیری؟ پیامبر فرمود: در مقابل به من چه می دهی؟ گفت: گوسفندی را. پیامبر با او کشتی گرفت و برای سومین بار او را بر زمین زد، به پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم گفت: اسلام را بر من عرضه نما. هیچ فردی [تا به امروز] پهلوی مرا به خاک نرسانیده بود. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم، اسلام را بر او عرضه داشت و اسلام آورد و پیامبر گوسفندش را به او بازگرداند.

می گویم: این روایت و روایت قبلی هر دو از روایات عامه می باشند که در سیره ابن هشام (2) و سنن ابن داود (3)، البته با کمی اختلاف بیان شده است و از طریق ما [شیعه] این روایات بیان نگردیده است، چنانچه محدث بحرانی رحمه الله می گوید: «در اخبار ما چیزی از این گونه روایات ثبت نگردیده است» (4).

و ممکن است حمل عوض در این روایت از قبیل گرفتن مال

ص: 57

1- المبسوط، ج 6، ص 292.

2- سیره ابن هشام، ج 2، ص 31.

3- سنن ابی داود، ج 2، ص 452، ح 4087، کتاب اللباس، باب فی العمائم.

4- الحدائق، ج 22، ص 365.

کافر باشد، چون حرمتی نسبت به مال او وجود ندارد یا گرفتن مال [در این روایت] از قبیل عوض و برد و باخت نباشد، بلکه از قبیل جایزه و هدیه باشد. و آنچه مشکل را حل می کند این است که گفته شود، روایات ما خالی از این گزارشات است.

و بر جواز مسابقه بدون برد و باخت نقلی را که خداوند تعالی از

برادران یوسف بیان می نماید دلالت می کند، آنجا که می فرماید: «قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِئُكَ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّبَابُ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ» (1)

گفتند: ای پدر! ما یوسف را در کنار بار و کالای خود نهادیم و برای مسابقه رفتیم؛ پس گرگ، او را خورد و تو ما را تصدیق نخواهی کرد اگر چه راست بگوییم!

این آیه شریفه بر جواز مسابقه بدون برد و باخت در شریعت حضرت ابراهیم علیه وعلی نبینا وآله السلام که دین پاک و یکتاپرستی است، دلالت می کند، زیرا برادران یوسف، فرزندان نواده او - یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم (علیه السلام) - می باشند؛ که پایبند بر شریعت جد خود، حضرت ابراهیم (علیه السلام) بوده اند و با استصحاب بر جواز مسابقه حکم می کنیم تا زمانی که نسخ این حکم در شریعت محمدیه ثابت شود. وحید بهبهانی قدس سره در حاشیه خود بر کتاب کتاب مجمع الفائدة و البرهان (2) به این استدلال اشاره نموده است.

ص: 58

1- سوره یوسف آیه 17

2- حاشیه مجمع الفائدة والبرهان ص 532 .

فصل چهارم : حکم گرفتن مال برنده شده در قمار

در فصل دوم حرمت تکلیفی قمار بیان گردید اما [برای اثبات] حرمت وضعی قمار - منظور فساد انتقال مال به برنده و وجوب برگرداندن مال به مالک اصلی آن می باشد - دو دلیل اقامه می گردد:

دلیل اول: سخن خداوند تعالی **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ** (1)

ای اهل ایمان! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل و از راه حرام و نامشروع مخورید، مگر آنکه تجارتي از روی خشنودی و رضایت میان خودتان انجام گرفته باشد.

تقریب استدلال: آیه شریفه از خوردن مال با سبب های باطل که یکی از آن سبب ها قمار می باشد، نهی فرموده است. و صحیححه زیاد بن عیسی ابی عبیده حذاء (2) و صحیححه محمد بن عیسی (3) و دو

ص: 59

1- سوره نساء، آیه 29.

2- وسائل الشیعة، ج 17، ص 164، ح 1.

3- وسائل الشیعة، ج 17، ص 167، ح 14.

مرسله اسباط (1) [نیز از خوردن مال به باطل که یکی از مصادیق آن قمار می باشد، نهی کرده است].

با وجود این تصریحاتی که در روایات تفسیر کننده این آیه شریفه [آمده است] به وضوح دلالت آیه بر حرمت وضعی قمار آشکار می گردد. بدین معنا که مال بدست آمده از قمار به برنده منتقل نمی شود و تصرف در آن مال برای برنده جایزه نمی باشد.

دلیل دوم: تعدادی از روایات معتبره بر بطلان انتقال مال [بدست آمده در قمار به برنده] و جایز نبودن تصرف در آن مال دلالت دارد. مانند: معتبره اسحاق بن عمار (2) و معتبره سکونی (3) و حسنه عبدالحمید بن سعید. (4)

این دو دلیل [آیه شریفه خوردن مال به باطل و روایات معتبره] بر صحیح نبودن تملک پاداش و تملک جعل [آنچه که بر آن قرار داد بسته شده] و تملک جایزه ای که به واسطه پیروزی [در میدان مسابقه حاصل می شود]، دلالت دارند. پس اگر برنده آن مال را به ملکیت خود درآورد و در آن تصرف کند، [در این حالت] ضامن می باشد: و بر عهده اوست که عین مال را در صورتی که موجود باشد [به مالک اصلی آن] برگرداند. اما اگر آن عین تلف شده باشد:

الف) در صورتی که آن عین، قیمی باشد، بر عهده برنده است که قیمت آن را بپردازد.

ب) و در صورتی که آن، عین مثلی باشد، باید مثل آن را به

ص: 60

1- تفسیر العیاشی، ج 1، صص 389 و 388، ح 98 و 100.

2- وسائل الشیعة، ج 17، ص 166، ح 7.

3- وسائل الشیعة، ج 17، ص 166، ح 6.

4- وسائل الشیعة، ج 17، ص 165، ح 2.

مالک اصلی برگرداند.

تمامی موارد ذکر شده در صورتی است که امکان برگرداندن مال به صاحب اصلی آن، وجود داشته باشد.

3- ولی اگر امکان برگرداندن مال به صاحب اصلی آن وجود نداشته باشد :

الف) آن مال در حکم، مجهول المالک می باشد؛ هر چند صاحب اصلی آن را، برنده می شناسد ولی تمکن برگرداندن مال به صاحبش

[به هر دلیلی] را ندارد.

ب) آن مال حقیقتاً مجهول المالک می باشد و این در صورتی است که صاحب اصلی آن را برنده نمی شناسد. این امر واضح است و هیچ نقطه تاریکی در آن وجود ندارد.

ص: 61

فصل پنجم : حکم بازی با شطرنج و نرد بدون برد و باخت

1- بررسی سخنان بزرگان

شیخ صدوق رحمه الله می گوید: «و بدان که نهی و اطلاقاتی در [رابطه با] شطرنج وارد شده است ولی من [می گویم]: ... سخن درست و [نزدیک به] احتیاط حرمت شطرنج می باشد و بازی با آن گناه است» (1).

شیخ طوسی رحمه الله در کتاب نهاییه (2) بازی شطرنج و نرد و غیر آن ها از انواع آلات قمار را به بت ها و صلیب ها و مجسمه های تراشیده شده و نقاشی های برجسته ضمیمه نموده است.

و در کتاب شهادت از کتاب نهاییه می گوید: «شهادت کسی که با نرد و شطرنج و غیر این دو از انواع قمار و اربعه عشر و شاهین بازی می کند، پذیرفته نمی شود و ردّ می گردد» (3).

و در کتاب خلاف می گوید: «بازی با شطرنج به هر شکلی که

ص: 62

1- المقنع، صص 458 و 457.

2- النهایة، ص 363.

3- النهایة، ص 325.

باشد، حرام است و فاعل [و بازیکن] با آن فاسق است و شهادت او مورد قبول نمی باشد. مالک و ابوحنیفه هر دو می گویند: بازی با شطرنج مکروه است و ابوحنیفه در نهایت بازی با شطرنج را به حرام ملحق می کند. مالک و ابوحنیفه می گویند: شهادت بازیکن با شطرنج رد می گردد و پذیرفته نمی شود. شافعی می گوید بازی با شطرنج مکروه است و منعی در بازی با آن وجود ندارد و شهادت کسی که شطرنج بازی می کند رد نمی گردد، مگر آنکه با شطرنج، بازی قمار کند و [در حین بازی]: از روی عمد نماز را ترک کند تا وقت آن پایان پذیرد و یا عمدی در ترک نماز و گذشتن وقت ندارد؛ اما ترک نماز از جانب شخص [در زمان های مختلف] تکرار می شود. سعید بن مسیب و سعید بن جبیر می گویند: شطرنج مباح است. و دلیل ما [بر حرمت بازی با شطرنج] اجماع طایفه [شیعه] و اخبار ایشان می باشد...» (1)

همچنین ایشان در جای دیگری از کتاب خلاف می گویند: «کسی که نرد بازی می کند فاسق است و شهادت او ردّ می گردد و پذیرفته نیست و ابوحنیفه و مالک نیز همین را می گویند و شافعی می گوید: - بنابر نصی که ابو اسحاق در کتاب شرح از شافعی آورده است - بازی نرد مکروه است و منعی در بازی با آن وجود ندارد و شخصی که با نرد بازی می کند فاسق نمی باشد و شهادت او ردّ نمی گردد و پذیرفته می شود، در حالی که کراهت بازی با نرد از شطرنج بیشتر است. گروهی از اصحاب شافعی می گویند: بازی نرد حرام است. دلیل ما اجماع طایفه [شیعه] و اخبار ایشان می باشد» (2).

ص: 63

1- الخلاف، ج 6، ص 302، مسأله 51.

2- الخلاف، ج 6، ص 304، مسأله 53.

شیخ طوسی در کتاب مبسوط می گوید: «نزد ما [شیعه] شهادت بازیکن شطرنج در هیچ حالی پذیرفته نمی شود (1) و همچنین شهادت بازیکن با نرد و اربعه عشر و غیر آن از انواع آلات قمار پذیرفته نمی شود، یکسان است بازی با آن به صورت قمار و برد و باخت مالی باشد یا بازی با آن، صورت قمار نداشته باشد.

برخی از اصحاب درباره بازی با شطرنج می گویند: بازی با شطرنج از یکی از دو امر خالی نمی باشد: [1] بازی کردن با عوضی همراه است، [2] بازی کردن با عوضی همراه نیست.

[در صورت اول؛ الف]: اگر در بازی عوضی موجود باشد، نگاه می کنی اگر قمار بود - بدین معنا که هر یک از دو طرف بازی، چیزی را وسط می گذارند بر وجهی که هر کدام از آنها پیروز بازی شود، تمامی آن مال وسط برای او باشد - اکل و خوردن مال به باطل است و شهادت او ردّ می گردد و پذیرفته نیست.

[ب] اگر در بازی عوضی موجود باشد ولی قمار نباشد - بدین معنا که مانند مسابقه تیراندازی و مسابقه اسب سواری باشد مثل آنکه یکی از آنها عوضی را از مال خود خارج می کند و می گوید اگر بر من غلبه پیدا کردی و پیروز شدی، پس این عوض از آن تو می باشد و اگر من بر تو پیروز شدم چیزی برای هیچ کدام از ما دو نفر نیست - پس در این حالت به سبب بازی شهادت او رد نمی گردد و پذیرفته می شود.

و [در صورت دوم که عوضی وجود ندارد] پس بازیکن یا ترک نماز می کند و یا ترک نماز نمی کند:

[الف] پس اگر نماز در وقت مقرر را از روی عمد ترک کرد تا

ص: 64

1- ولی در نسخه چاپی «پذیرفته می شود» است که غلط چاپی واضحی است.

زمان نماز بگذرد. او به سبب ترک نماز فاسق است و نه به سبب بازی با شطرنج، زیرا ترک نماز از روی عمد، فسق می باشد؛ هر چند که به سبب خواندن نمازهای مستحبی، نماز واجب از او سلب شده باشد.

[ب] و اگر ترک نماز او از روی عمد نباشد مثل آنکه وقت نماز به سبب بازی شطرنج بدون آنکه متوجه باشد از او فوت شود؛ پس اگر در اینجا [ترک نماز و فوت زمان غیر عمد] این عمل یک بار تکرار گردد، شهادت او ردّ نمی شود و پذیرفته می شود، اگر چه خطایی از او سرزده استر اما [قَدْح و طَعْنی] بر او نیست.

[ج] اما اگر ترک نماز او از روی عمد نباشد؛ اما این عمل [ترک نماز] از جانب او تکرار گردد، او فاسق می باشد و شهادتش ردّ می گردد و پذیرفته نمی شود.

[د] اما اگر شخصی محافظت بر اوقات نماز و مداومت بر خواندن نماز در وقت مقرر آن را دارد، اشتغال به بازی در غیر اوقات نماز بر او حرام نمی باشد و بازی شطرنج برای او عمل مکروهی می باشد. بعضی از تابعین - سعید بن مسیب و سعید بن جبیر می گویند: بازی شطرنج مباح و طلق می باشد و [در احوالات] سعید بن جبیر آورده اند که او پشت به شطرنج بازی می کرد یعنی پشت به شطرنج می نشست و مشغول به بازی می شد و می گفت: حریف چه کرد؟ به او حرکت حریف را گزارش می دادند و او می گفت: تو نیز چنین کن» (1).

او در صفحه بعد ادامه می دهد: «و به تحقیق بیان گردید که حکم سایر انواع قمار همانند نرد و اربعه عشر همان حکم شطرنج

ص: 65

است و شخص به واسطه بازی کردن با این آلات فاسق می باشد و شهادت او به سبب بازی رد می گردد و پذیرفته نمی شود». (1)

محقق رحمه الله در شرایع می گوید: «بازی با تمامی آلات و وسایل

قمار مانند شطرنج و نرد و اربعه عشر و غیر آنها حرام می باشد، یکسان است که قصد بازیکن مشغولیت و مهارت آموزی و یا قمار

باشد». (2)

علامه رحمه الله در کتاب قواعد می گوید: «کسی که با آلات قمار بازی می کند [فرقی در نوع آن وسیله نمی کند] فاسق است شهادت او ردّ می گردد [و پذیرفته نمی شود] اگرچه قصد او از این بازی مشغولیت یا مهارت آموزی یا قمار باشد، مانند شطرنج و نرد و اربعه عشر و

انگشتر». (3)

می گویم: داخل شدن انگشتر در آلات قمار از عجایب کلام است.

وی در کتاب تحریر می گوید: «بازی با تمامی آلات و وسایل قمار از قبیل نرد و شطرنج و اربعه عشر حرام می باشد و فاعل آن فاسق است و شهادت ردّ می شود [و پذیرفته نمی شود] مگر آن که توبه نماید. یکسان است که قصد مهارت آموزی یا قصد مشغولیت یا قصد قمار که شامل بازی با عوض مالی می باشد [داشته باشد] و یکسان است که اعتقاد به حرمت بازی با وسایل قمار داشته باشد یا نه» (4).

ص: 66

1- المبسوط، ج 8، ص 222 .

2- الشرائع، ج 4، ص 117 .

3- القواعد، ج 3، ص 494 .

4- تحریر الأحكام الشرعية، ج 5، ص 250، مسأله 6626.

شهید اول رحمه الله می گوید: «... و قمار حتی با گردو و تخم مرغ و

انگشتر و بقیری (1) و استفاده از نرد و شطرنج اگرچه برد و باختی در میان نباشد... از محرمات است» (2).

شیخ علی بن محمد بن محمد قمی سبزواری رحمه الله می گوید: «بازی با شطرنج به هر شکلی که باشد، حرام است و فاعل و [بازیکن

با آن] فاسق می باشد و شهادت او پذیرفته نیست» (3).

محقق ثانی در تعریف قمار می گوید: «قمار عبارت است از بازی با آلات و وسایل مخصوص آن با توجه به انواع مختلفی که دارد از قبیل شطرنج و نرد و غیر آن و اصل در قمار، قراردادن برد و باخت در بازی با وسیله ای از این وسایل [مخصوص] می باشد و چه بسا بر مطلق بازی با وسایل و آلات قماری اطلاق شود. و هیچ جای تردیدی وجود ندارد که بازی با وسایل قمار هر چند با برد و باختی همراه نباشد و خرید و فروش آنها و ساختن وسایل قمار حرام می باشد» (4).

محقق اردبیلی رحمه الله می گوید: «به تحقیق دانسته شد که سرگرمی با برخی از آلات و وسایل قمار مثل نرد و شطرنج هر چند با

ص: 67

1- توده هایی از خاک که درون یکی از آنها شی ای را پنهان می کردند هرکس آن را می یافت برنده اعلام می شد و جایزه تعیین شده از آن او بود. یا اینکه موئی را در درون انبوهی از خاک پنهان می کردند، سپس روی آن آب می ریختند تا گل شود پس از آن هرکس مورا می یافت جایزه را برده می شد.

2- الدروس، ج 2، ص 126.

3- جامع الخلاف والوفاق، ص 614.

4- جامع المقاصد، ج 4، ص 24.

برد و باخت و عوضی همراه نباشد، حرام می باشد» (1).

محقق سبزواری رحمه الله می گوید: «و اخبار وارده در مورد حرمت شطرنج به طور خاصه بسیار می باشد و همچنین نرد و در بعضی از اخبار در رابطه با تحریم شطرنج، مبالغه های بزرگی شده است که از جمله آن مبالغه ها، کبیره بودن گناه بازی با آن می باشد» (2).

وی در جای دیگری می گوید: «... و تحریم برخی از وسایل قمار مثل نرد و شطرنج اگرچه با برد و باخت و عوضی همراه نباشد، دانسته شد» (3).

فاضل اصفهانی رحمه الله بازی با شطرنج و نرد را حرام می داند و بعضی از اخبار وارده در تحریم بازی با شطرنج و نرد را بیان فرموده و بر سخن شافعی عیب می گیرد و می گوید: «شافعی (4) شهادت بازیکن با نرد یا شطرنج را رد نمی کند و شهادت او را می پذیرد و بازی با آن ها را حرام نمی داند ولی کراهت شدید برای بازی با نرد قائل می باشد» (5).

فاضل نراقی رحمه الله می گوید: «آیا بازی با وسایل مخصوص قمار در صورتی که به همراه قمار و برد و باخت مالی نباشد، حرام است؟ در تحریم شطرنج و نرد همان گونه که شیخ صدوق رحمه الله به آن تصریح نموده است، اشکالی وجود ندارد؛ بلکه در تحریم آن اختلافی وجود ندارد [و اجماعی است]. سپس نراقی بعضی از روایاتی که بر

ص: 68

1- مجمع الفائدة والبرهان، ج 10، ص 167 .

2- الکفاية، ج 1، ص 442.

3- الکفاية، ج 1، ص 718.

4- الأم، ج 6، ص 208، المجموع، ج 20، ص 228.

5- كشف اللثام، ج 10، ص 292.

تحریم بازی با شطرنج و نرد [دلالت می کند] را بیان می کند و می گوید: به غیر از شطرنج و نرد، حکم به تحریم [به سبب بازی با دیگر آلات و وسایل قمار] مشکل می باشد، بلکه اصل در آن عدم

حرمت می باشد» (1).

فقیه بزرگوار شیخ جعفر کاشف الغطاء رحمه الله برخی از روایات وارده در مورد شطرنج را یاد می کند و برای آن روایات توضیحی می دهد که این روایات مورد عمل اصحاب است، مگر اینکه نجس شدن دست و بطلان نماز بدون غسل مبالغه در تحریم است مانند حکم به کفر و شرک و گناه سلام کردن به کسی که شطرنج بازی می کند و نگاه کردن و نشستن در کنار این آلات؛ هیچ کدام به اطلاقش قابل پذیرش نیست» (2).

سید عاملی رحمه الله بعد از نقل خبر مستطرفات کتاب سرائر می گوید: «هیچ مانعی در عمل به این اخبار که موافق اعتبار است وجود ندارد مگر [وجود] اصل جواز و عمل نکردن [اصحاب] به تمامی آنچه که در این اخبار آمده است و جای تردیدی در تحریم بازی با شطرنج هر چند که با برد و باخت همراه نباشد، وجود ندارد، و یکسان است که قصد از بازی مهارت آموزی یا مشغولیت [باشد]» (3).

صاحب کتاب جواهر بعد از نقل سخن محقق حلی، تعدادی از روایات مستفیضه در تحریم بازی شطرنج را بیان می کند. سپس از

ص: 69

1- مستند الشیعة، ج 14، صص 106 و 105.

2- شرح القواعد، ج 1، ص 208.

3- مفتاح الکرامة، ج 12، ص 185.

کلام صاحب کتاب مسالک (1) و تبعیت صاحب کتاب ریاض (2) از او اظهار شگفتی می کند که نهی [وارده در روایات شطرنج را] بر صغیره بودن گناه آن، حمل می کند و [بازی با شطرنج را] موجب قدح و طعن در عدالت نمی داند مگر در صورتی که بر بازی اصرار شود.

سپس می گوید: «شگفت تر از کلام وی، سخن شافعی است که بازی شطرنج و نرد را حرام نمی داند و [می گوید]: بازی شطرنج و نرد، مکروه می باشد و کراهت نرد از کراهت شطرنج شدیدتر است والله العالم» (3).

می گویم: صاحب کتاب جواهر رحمه الله بازی با شطرنج و نرد را جزء گناهان کبیره می شمارد و بازی با آنها را سبب قدح و طعن در عدالت می داند.

2- روایات وارده [درباره شطرنج و نرد]

شماری از روایات معتبره مستفیضه بر حرمت بازی با شطرنج و نرد هر چند که با برد و باخت همراه نباشد، دلالت دارد و در آن ها حکم می شود که شطرنج و نرد از روی تعبد، میسر و قمار شمرده شده است :

روایت اول: صحیحة زید الشحام قال: سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن قول الله: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (4).

ص: 70

1- المسالک ج 14، ص 177.

2- ریاض المسائل، ج 15، ص 265.

3- الجواهر، ج 42، ص 65 - 61، (ج 41، صص 43-46).

4- سوره حج آیه 30.

قال: الرجس من الأوثان: الشطرنج، وقول الزور: الغناء. (1)

صحیحہ زید شحام کہ می گوید: از امام صادق (علیه السلام) در [مورد] سخن خداوند عزوجل «از پلیدی بت ها و از گفتار باطل دوری گزینید» سؤال کردم. امام (علیه السلام) فرمود: [منظور از] پلیدی و رجس از اوثان، شطرنج است و [منظور از] گفتار باطل، غناء می باشد.

همانند این روایت در روایت صحیحہ از ابن ابی عمیر از برخی از اصحابش از امام صادق (علیه السلام) آمده است. (2)

روایت دوم: روایة عمر بن یزید عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إن لله عزوجل في كل ليلة من شهر رمضان عتقاء من النار إلا من أظفر على مسكر، أو مشاحن أو صاحب شاهين. قلت: وأي شيء صاحب الشاهين؟ قال: الشطرنج. (3)

روایت عمر بن یزید از امام صادق (علیه السلام) که فرمودند: خداوند عزوجل در هر شبی از شب های ماه رمضان جماعتی از گناهکاران را از آتش دوزخ آزاد می کند، مگر آن کسی که با مسکر [مست کننده] روزه خود را افطار نماید و یا صاحب کینه و عداوت باشد یا صاحب شاهین. گفتم: صاحب شاهین چیست؟ فرمود: شطرنج.

تمامی رجال سند ثقه می باشند مگر محمد بن حکم برادر هشام بن حکم که توثیق و یا تضعیفی درباره او وارد نشده است. بنابر قولی که می گوید محمد بن ابی عمیر فقط از ثقات روایت کند، این روایت از حیث سندی صحیح می باشد؛ ولی این کلام نزد ما، تمام نمی باشد و مانند این روایت، از حسین بن عمر بن

ص: 71

1- وسائل الشیعة، ج 17، ص 318، ح 1.

2- وسائل الشیعة، ج 17، ص 318، ح 3.

3- وسائل الشیعة، ج 17، ص 319، ح 4.

(المشاحن: عدو مشاحن): به دشمن سرسخت می گویند.

روایت سوم: موثقه زراره عن أبي عبد الله (عليه السلام) أنه سئل عن الشطرنج وعن لعبة شبيب التي يقال لها: لعبة الأمير وعن لعبة الثلاث؟ فقال: أرأيتك إذا ميز الله الحق والباطل مع أيهما تكون؟ قال: مع الباطل، قال: فلا خير فيه. (2)

موثقه زراره از امام صادق (عليه السلام) که می گوید: از امام صادق (عليه السلام) از شطرنج و بازی شبيب که به آن بازی امیر می گویند و بازی سه تایی سؤال شد که چه حکمی دارد؟ ایشان فرمودند: اگر کارهای حق و باطل را از هم جدا سازند، این بازی ها در ردیف حق قرار می گیرند یا در ردیف باطل؟ گفت: در ردیف باطل سپس فرمودند: پس در این

بازی ها خیری متصور نیست.

روایت چهارم: معتبرة مسعدة بن زياد عن أبي عبد الله (عليه السلام) أنه سئل عن الشطرنج فقال: دعوا المجوسية لأهلها لعنهم الله. (3)

معتبره مسعدة بن زياد که میگوید از امام صادق (عليه السلام) درباره شطرنج سؤال شد. امام (عليه السلام) فرمودند: [کارهای] مجوسیت را به اهل آن واگذار کنید خداوند آن ها را لعنت کند.

روایت پنجم: معتبرة السكوني عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: نهى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لعن اللعب بالشطرنج والنرد. (4)

معتبره سکونی از امام صادق (عليه السلام) که فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم لعن اللعب بالشطرنج والنرد.

ص: 72

1- وسائل الشيعة، ج 17، ص 319، ح 6.

2- وسائل الشيعة، ج 17، ص 319، ح 5.

3- وسائل الشيعة، ج 17، ص 319، ح 7.

4- وسائل الشيعة، ج 17، ص 320، ح 9.

از بازی با شطرنج و نرد نهی کرد.

روایت ششم: حسنة أبي الربيع الشامي عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: سُئل عن الشطرنج والنرد؟ فقال: لا تقربوهما الحديث. (1)

حسنه ابی ربیع شامی از امام صادق (علیه السلام) که گفت: از امام صادق (علیه السلام) در مورد بازی با شطرنج و نرد سؤال شد. ایشان فرمودند: نزدیک آنها نشو. حدیث.

روایت هفتم: صحیحة بکیر قال: سألت أبا عبدالله (عليه السلام) عن اللعب بالشطرنج، قال: إنَّ المؤمن لفي شغل عن اللعب. (2)

صحیحه بکیر از امام صادق (علیه السلام) که گفت: از امام صادق (علیه السلام) [در مورد] بازی با شطرنج سؤال کردم. امام (علیه السلام) فرمودند: همانا مؤمن اشتغالات مهم تری از بازی کردن با این موارد دارد [مؤمن وقت چنین کارهایی را ندارد].

روایت هشتم: صحیحة حماد بن عیسی قال: دخل رجل من البصريين على أبي الحسن الأول (عليه السلام) فقال له: جعلت فداك إني أقعد مع قوم يلعبون بالشطرنج ولست أعب بها ولكن أنظر، فقال: ما لك ولمجلس لا ينظر الله إلى أهله. (3)

صحیحه حماد بن عیسی که گفت: مردی از اهالی بصره خدمت امام کاظم (علیه السلام) رسید و گفت: قربانت شوم، من کنار گروهی که با شطرنج بازی می کنند می نشینم و به بازی آن ها نگاه می کنم ولی خودم

ص: 73

1- وسائل الشیعة، ج 17، ص 320، ح 10.

2- قرب الإسناد، ص 174، ح 641 ونقل عنه في وسائل الشیعة، ج 17، ص 321 ذیل ح 11.

3- وسائل الشیعة، ج 17، ص 322، ح 1.

بازی نمی کنم. امام (علیه السلام) فرمودند: تو را با مجلسی که خدا به آن نظر نمی افکند چه کار است؟

روایت نهم: صحیحہ معمر بن خلاد کہ متن آن بیان گردید . (1)

روایت دهم: روایت فضیل است کہ متن آن بیان گردید . (2)

روایت یازدهم: در فقه منسوب به امام رضا (علیه السلام) آمده است:

«... مثل الذي يلعب بها (أي بالنرد) - من غير قمار - مثل الذي يضع يده في الدم ولحم الخنزير، ومثل الذي يلعب في شيء من هذه الأشياء كممثل الذي مصر على الفرج الحرام...» (3).

و مَثَلُ بازيکن با آن [نرد] - بدون قمار - مَثَلُ کسی است که دستش را در خون و گوشت خوک می گذارد. و مثل کسی که با اینها بازی می کند، مَثَلُ کسی است که پافشاری بر زنا می کند ...

روایت دوازدهم: مرسله ابن إدريس نقلاً عن جامع البزنطي عن أبي بصير عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: بيع الشطرنج حرام، وأكل ثمنه سحت، واتخاذها كفر، واللعب بها شرك، والسلام على اللاهي بها معصية وكبيرة موبقة، والخائض فيها يده كالخائض يده في لحم الخنزير، لا صلاة له حتى يغسل يده كما يغسلها من مس لحم الخنزير والناظر إليها كالناظر في فرج أمه واللاهي بها والناظر إليها في حال ما يلهي بها، والسلام على اللاهي بها في حالته تلك في الإثم سواء، ومن جلس على اللعب بها فقد تبوأ مقعده من النار، وكان عيشه ذلك حسرة عليه في القيامة، وإياك ومجالسة اللاهي والمغرور

ص: 74

1- وسائل الشيعة، ج 17، ص 323، ح 1.

2- وسائل الشيعة، ج 17، ص 324، ح 3.

3- الفقه الرضوي، ص 284.

بلعبها، فإنَّها من المجالس التي بآء أهلها بسخط من الله، يتوقعونه في كلِّ ساعة فيعمك معهم. (1)

مرسله ابن ادریس به نقل از جامع بزنی از ابی بصیر از امام صادق (علیه السلام) که فرمودند: فروختن شطرنج حرام است و خوردن پولش حرام است و نگه داشتن آن کفر است و بازی با آن شرک می باشد و سلام کردن به شطرنج باز، معصیت و گناه کبیره ای است که هلاک کننده است و کسی که دستش با آن تماس پیدا کند، همانند کسی است که دستش را در گوشت خوک فرو برد و برای او نمازی نیست [نمی تواند نماز بخواند] تا آنکه دستش را بشوید. همان گونه که دست را بر اثر تماس با گوشت خوک می شوید و تماشاگر آن مانند کسی است که به فرج مادرش نظاره می کند و شطرنج باز و تماشاگر آنها در حال مشغولیت به آن و سلام کننده به آنها در حال بازی همگی در گناه یکسان می باشند و هرکس که برای بازی با شطرنج بنشیند، بی گمان نشیمن گاهش از آتش پر می شود و گذران عمرش در این راه در قیامت مایه حسرت و اندوه برای او خواهد بود و پرهیز از همنشینی با شطرنج باز و کسی که فریب بازی با آن را خورده است. زیرا آن [جلسه] از جمله جلساتی است که اهل آن در خشم و غضب خدا فرو رفته اند و هر لحظه در انتظار فرود آمدن خشم خدا به سر می برند [و اگر تو با آنها همنشینی کنی] خشم خدا تو را نیز همراه آنان دربر خواهد گرفت.

روایت سیزدهم: روایة علي بن جعفر عن أخيه موسى (عليه السلام) عن أبيه جعفر (عليه السلام) قال: الترد والشطرنج من الميسر. (2)

ص: 75

1- وسائل الشيعة، ج 17، ص 323، ح 4.

2- تفسير العياشي، ج 1، ص 218، ح 315 ونقل عنه في مستدرک الوسائل، ج 13، ص 224، ح 3.

روایت علی بن جعفر از برادرش امام کاظم (علیه السلام) از پدرش امام جعفر صادق (علیه السلام) که فرمودند: نرد و شطرنج از میسر [و قمار] است. می گویم: سند روایت معتبر است. زیرا مراد از حسین، ابن اشکیب است که [فردی] ثقه می باشد (1) و از مشایخ عیاشی می باشد. و موسی بن قاسم بجلی ثقه است. و اما محمد بن علی بن جعفر عریضی از اصحاب امام رضا (علیه السلام) می باشد و شیخ در رجال خود او را مکرراً (2) یاد کرده و او جزء معاریف و افراد سرشناس شمرده و در رابطه با او قدح و طعنی وارد نشده است. پس مردی ثقه و عادل است و حداقل می توان گفت او حسن است. پدر ایشان علی بن جعفر برتر از وثاقت می باشد. در نتیجه سند نزد ما معتبر است. روایت چهاردهم: مرسله الشیخ ابی الفتوح الرازی عن أمير المؤمنين (علیه السلام) أنه مرّ بقوم يلعبون بالشطرنج، فقال: ما هذه التماثيل التي أنتم لها عاكفون؟ وأخذ قدراً من التراب وطرحه فيه.

قال الشيخ: يقول الذين يتعاطون لعب الشطرنج: أنه كلما بسط نطعه

وجد فيه شيئاً من التراب. (3)

مرسله شیخ ابوالفتوح رازی: گفت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به گروهی برخورد کرد که [مشغول] شطرنج بازی بودند. به ایشان فرمود: این مجسمه ها چیست که شما بر آن جمع شده اید؟ آنگاه مقداری خاک

ص: 76

1- وله رواية في قراءة الصحيفة السجادية الشريفة المطبوعة أخيراً بإصبهان عام 1383 ش.

2- رجال الشيخ صص 386 و 387، رقم 5 و 19.

3- تفسير أبي الفتوح الرازي، ج 3، ص 214؛ ونقل عنه في مستدرک الوسائل، ج 13، ص 223، ح 6.

برداشت و بر صفحه شطرنج پاشید. شیخ ابوالفتوح رازی می گوید: کسانی که پیوسته با شطرنج بازی می کنند، می گویند: هر وقت که صفحه شطرنج گشوده می شود، مقداری خاک در آن دیده می شود. روایت پانزدهم: مرسله أخرى له عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم أنه قال: إياكم وهاتين الكعبتين الموشومتين، فإنهما من ميسر العجم. (1)

مرسله دیگر شیخ ابوالفتوح رازی از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم که گفت: از این دو بر آمده شوم [شطرنج و نرد] بپرهیزید. همانا این دو [بازی] از قمار عجم است.

روایت شانزدهم: مرسله ثالثة له عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم أنه قال: من لعب

الله بالنرد فقد عصى الله ورسوله. (2)

مرسله سوم شیخ ابوالفتوح رازی از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم که فرمودند: هر کس که نرد بازی کند، به تحقیق نافرمانی خدا و رسول او را کرده است.

روایت هفدهم: مرسله الثعلبي عن جعفر بن محمد (عليه السلام) عن أبيه (عليه السلام)

أن علياً (عليه السلام) قال في النرد والشطرنج: هي من الميسر. (3)

مرسله ثعلبی از امام صادق (عليه السلام) از امام باقر (عليه السلام) که فرمودند: امیرالمؤمنین علی (عليه السلام) در مورد نرد و شطرنج فرمود: این ها میسر [وقمار] می باشد.

حمل این روایات و نظایر آن که [از حیث تعداد] بسیار است بر بازی شطرنج و نردی که با برد و باخت همراه است سخنی گزافه

ص: 77

1- تفسیر أبی الفتوح الرازی، ج 3، ص 214.

2- تفسیر أبی الفتوح الرازی، ج 3، ص 213.

3- الكشف و البیان المعروف بتفسیر الثعلبي، ج 2، ص 151.

می باشد و حمل این روایات برای [آنکه بگوییم] این دو از وسایل و آلات قمار هستند، سخنی از روی لجاجت می باشد. ظاهر آن است که شطرنج و نرد در روایات از روی تعبد به قمار ملحق می شوند. همان گونه که از تعدادی از روایات روشن می گردد. مانند مرسله عبدالله بن جندب (1) و مرسله اسماعیل جعفی (2) و خبر ابی بصیر (3) و مرسله ابی جارود (4) و صحیح عبدالله بن جندب (5) از کسی که به او از امام صادق (علیه السلام) خبر می دهد و خبر عبدالملک قمی (6) و غیر آن از روایات که در گذشته بیان گردید.

نجاشی در شرح حال حفص بن بختری می گوید: «از طبقه آزاد شدگان و بغدادی است که اصالت او کوفی می باشد و فردی ثقه است که از امام صادق (علیه السلام) و امام کاظم (علیه السلام) روایت می کند و از او به ابوالعباس یاد می کردند. بین او و خانواده اعین، کدورتی (7) بود که آن ها به دلیل بازی او با شطرنج از وی بدگویی و بر او این را عیب می گرفتند» (8).

این روایات به روشنی بر حرمت بازی با شطرنج و نرد اگرچه بدون برد و باخت باشد دلالت می کنند و آن ها را از صرف آلت قمار

ص: 78

-
- 1- وسائل الشیعة، ج 17، ص 321، ح 14.
 - 2- وسائل الشیعة، ج 17، ص 322، ح 15.
 - 3- وسائل الشیعة، ج 17، ص 324، ح 2.
 - 4- وسائل الشیعة، ج 17، ص 321، ح 12.
 - 5- وسائل الشیعة، ج 17، ص 324، ح 4.
 - 6- وسائل الشیعة، ج 17، ص 324، ح 5.
 - 7- در متن کتاب نجاشی «النبوة» که به معنای الجفاء والتباعد والنفور وعدم القبول می باشد، آمده است.
 - 8- رجال النجاشی، ص 134، رقم 334.

بودن خارج کرده اند و اصحاب [و بزرگان شیعه] قدس سرهم به حرمت بازی با شطرنج و نرد فتوا داده اند و به همین خاطر خانواده اعین بر حفص که ثقه می باشد به دلیل آنکه با شطرنج بازی می کند، بر او عیب می گیرند و از او بدگویی می کردند.

اما بازی با شطرنج و نرد را جزء گناهان کبیره محسوب کردن آنچنان که صاحب کتاب جواهر (1) می گوید، به علت نبودن دلیل، تمام نمی باشد و در این جهت حق با صاحب کتاب مسالک (2) و صاحب کتاب ریاض (3) قدس سرهم می باشد که بازی با شطرنج و نرد را جزء گناهان صغیره محسوب می کنند.

در نتیجه بنا بر قول مشهور که عدالت را ملکه نفسانی و خویشتن داری تعریف می کنند، بازی با شطرنج و نرد سبب قدح و طعن در عدالت نمی شود مگر آنکه [شخص] بر بازی اصرار و پافشاری داشته باشد.

اما بنا بر قول اختیار شده [نزد ما] که عدالت عبارت است از پافشاری و استقامت در جاده و مسیر شریعت که هر گناهی آن را از گسیخته و از بین می برد، فرقی نمی کند که گناه صغیره باشد یا کبیره [با انجام آن، شخص از عدالت ساقط می گردد]. تفصیل این مطلب، محل خود را می طلبد والله العالم.

ص: 79

1- الجواهر، ج 41، ص 46.

2- المسالک، ج 14، ص 177.

3- ریاض المسائل، ج 15، ص 265.

خاتمه : قمار از گناهان کبیره

سخن خداوند تعالی دلالت بر آن دارد که قمار در زمره گناهان کبیره می باشد :

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَتَّعٌ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا آكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (1).

درباره شراب و قمار از تو می پرسند، بگو: در آن دو گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است، و گناه هر دو از سودشان بیشتر است.

این آیه شریفه به روشنی بر کبیره بودن گناه قمار دلالت دارد و وجود منفعت های ظاهری برای برنده همان طور که در آیه به آن تصریح شده منافاتی با کبیره بودن گناه قمار ندارد، زیرا گناه آن بزرگ تر و بیشتر از منفعت آن می باشد .

همچنین از آنجا که در این آیه شریفه قمار و شراب کنار یکدیگر قرار گرفته اند، دلالت بر کبیره بودن گناه قمار دارد، زیرا شکی نیست که خوردن شراب از کبائر است آنجا که خداوند تعالی

ص: 80

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلِيمُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ» (1)

ای اهل ایمان! جز این نیست که همه مایعات مست کننده و قمار و بت هایی که [برای پرستش] نصب شده و پاره چوب هایی که به آن تفال زده می شود، پلید و از کارهای شیطان است؛ پس از آنها دوری کنید تا رستگار شوید * مسلماً شیطان می خواهد با شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه [سخت] اندازد، و از یاد خدا و نماز بازتان دارد؛ آیا شما [از این امور با همه زیان ها و خطراتی که دارد] خودداری خواهید کرد؟

و در مرسله ابی جارود از امام باقر (علیه السلام) در مورد آیه اول از دو آیه آمده است که امام (علیه السلام) فرمودند: «أما الخمر فكل مسكر من الشراب - إلى أن قال: - وأما الميسر فالنرد والشطرنج وكل قمار ميسر، وأما الأنصاب: فالأوثان التي كانت تعبد بها المشركون، وأما الأعلام: فالأقداح التي كانت تستقسم بها المشركون من العرب في الجاهلية، كل هذا يبيعه وشرأوه والانتفاع بشيء من هذا حرام من الله محرم، وهو رجس من عمل الشيطان، وقرن الله الخمر والميسر مع الأوثان» (2).

اما (شراب)، پس هر نوشیدنی که مست کننده باشد، شراب است

1- سوره مائده آیات 90 و 91 .

2- وسائل الشیعة، ج 17، ص 321، ح 12.

- تا آنجا که فرمود - و اما (میسر) پس نرد و شطرنج و هر قماری، میسر می باشد و اما (انصاب): پس بت هایی است که مشرکان آن را می پرستیدند. و اما (ازلام)، تیرهایی است که به وسیله آن ها مشرکین عرب در جاهلیت [شتر] را بر اساس آن تقسیم می کردند. تمامی این ها، خرید و فروش آن و بهره برداری به چیزی از اینها از جانب خداوند حرام کننده حرام است. و تمامی این ها، رجس و پلیدی و عمل شیطانی می باشد و خداوند شراب و قمار را قرین بت ها قرار داده است.

می گویم: نفس این پیوستگی و کنار یکدیگر قرار گرفتن آنها ثابت می کند که قمار جزء گناهان کبیره است.

شماری از روایاتی نیز دلالت بر گناه کبیره بودن قمار می کند:

روایت اول: معتبره الفضل بن شاذان عن الرضا (عليه السلام) في كتابه إلى المأمون قال في عدّ الكبائر: الميسر وهو القمار، الحديث. (1)

معتبره فضل بن شاذان از امام رضا (عليه السلام) و در نامه ای که به مأمون نوشت در شمارش گناهان کبیره فرمودند مسیر همان قمار است،

حدیث.

روایت دوم: خبر الأعمش عن الصادق (عليه السلام) في حديث شرائع الدين قال في عدّ الكبائر: الميسر، الحديث. (2)

خبر اعمش از امام صادق (عليه السلام) که در حدیث شرایع دین در شمارش گناهان کبیره فرمودند: میسر یعنی قمار، حدیث.

روایت سوم: معتبره عمر بن یزید که گذشت. (3)

ص: 82

1- وسائل الشیعة، ج 15، ص 329، ح 33 باب 46 از ابواب جهاد النفس .

2- وسائل الشیعة، ج 15، ص 331، ح 36.

3- وسائل الشیعة، ج 17، ص 319، ح 4.

استدلال: گفتیم که دلیل بخشیده نشدن گناه بازی با شطرنج در ماه رمضان آن است که آن بازی از روی تعبد، قمار دانسته شده است. پس به طریق اولویت دلالت بر آن دارد که قمار از جمله گناهان معمولی نیست؛ بلکه از گناهان کبیره می باشد.

روایت چهارم: خبر حسین بن عمر بن یزید. (1) دلالت آن همان دلالت روایت قبل می باشد [البته] از این روایت ظاهر و آشکار می شود که مراد از شاهین همان شطرنج است.

این ادله به روشنی دلالت بر آن دارد که قمار جزء گناهان کبیره می باشد چنانچه اصحاب [و علمای شیعه] اعلی الله کلماتهم فتوا بر کبیره بودن آن داده اند والله العالم. و تا اینجا بحث قمار تمام شد.

و ستایش در آغاز و پایان از آن خداوند است.

ص: 83

1- الآراء الفقهية - قسم المكاسب المحرمة -، آية الله شيخ هادي نجفي، تهران: پتر دانش 1398ش.

2- إرشاد الأذهان، علامه حلّي، تحقيق: فارس الحسون، قم: مؤسسه نشر اسلامي، 1410ق.

3- إرشاد الطالب، آية الله شيخ جواد تبريزي، قم: اسماعيليان، 1412ق.

4- اساس البلاغة، زمخشري، تحقيق: عبدالرحيم محمود، بيروت: دار المعرفة 1399ق.

5- الإستبصار فيما اختلف من الأخبار، شيخ طوسي، تحقيق: سيد حسن موسوي الخراسان، تهران، 1363ش.

6- الأم، محمد ادريس شافعي، بيروت: دار المعرفة.

7- امالي صدوق، شيخ صدوق، قم: مؤسسه بعثت، 1418ق.

8- امالي طوسي، شيخ طوسي، قم مؤسسه، بعثت 1414ق.

9- إيضاح الفوائد في شرح اشكالات القواعد، فخر المحققين حلّي، قم: اسماعيليان، 1363ش.

10- إيضاح النافع في شرح النافع في شرح مختصر الشرائع، ابراهيم بن سليمان قطيفي/

11- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، علامه محمداقبر مجلسي، بيروت: دار احياء تراث عربي.

12- برهان الفقه، سيّد علي آل بحرالعلوم، چاپ سنگي .

13- بشارة المصطفى لشيعه المرتضى، طبرسي، چاپ هفتم، نجف اشرف.

14- التبيان، شيخ طوسي، تحقيق: حبيب القصير العاملي، بيروت: دار احياء تراث عربي.

15- تحرير الأحكام الشرعية، علامه حلّي، تحقيق: ابراهيم بهادري، قم: مؤسسه امام صادق (عليه السلام) ، 1420 ق.

16- تذكرة الفقهاء، علامه حلّي، قم: آل البيت عليهم السلام، 1414 ق و چاپ سنگي.

17- تفسير العياشي، محمد بن مسعود عياشي، قم: مؤسسه بعثت. 18- ترتيب خلاصة الأقوال، علامه حلّي، مشهد: انتشارات آستان

قدس رضوي .

- 19- التنقيح الرائع لمختصر النافع، فاضل مقداد، تحقيق: عبداللطيف حسيني، قم: كتابخانه آية الله مرعشي، 1404ق.
- 20- تنقيح المقال في علم الرجال، عبدالله مامقاني، چاپ سنگی.
- 21- التوحيد، شيخ صدوق، تحقيق: سيد هاشم حسيني تهراني، قم: مؤسسه نشر اسلامي
- 22- تهذيب الأحكام، شيخ طوسي، تحقيق سيد حسن موسوي الخراسان، تهران: دارالكتب الاسلاميه، 1405ق..
- 23- جامع أحاديث الشيعة، تحت اشراف آية الله حاج آقا حسين طباطبائي بروجردي، قم، چاپ جديد .
- 24- جامع الخلاف والوفاق، سبزواري، تحقيق: حسيني بيرجندي، قم، 1379ش.
- 25- جامع المقاصد، محقق كركي، قم مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- 26- جوامع الجامع، طبرسي، تحقيق دكتور گرجي، تهران: دانشگاه تهران.
- 27- جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، شيخ محمد حسن نجفي، تهران: دار الكتب اسلامي و چاپ جامعه مدرسین .
- 28- حاشية مجمع الفائدة والبرهان، وحيد بهبهاني، قم: مؤسسه وحيد بهبهاني، 1417ق.
- 29- الحدائق الناضرة، محدث بحراني، قم: مؤسسه نشر اسلامي، 1363ش.
- 30- الخصال، شيخ صدوق، تحقيق: علي اكبر غفاري، قم: مؤسسه نشر اسلامي 1403ق.
- 31- الخلاف، شيخ طوسي، قم مؤسسه نشر اسلامي، 1407ق.
- 32- الدروس الشرعية، شهيد اول، قم: مؤسسه نشر اسلامي، 1412ق.
- 33- دعائم الإسلام قاضي نعمان مصري تحقيق آصف بن علي اصغر الفيضی مصر: دار المعارف، 1389ق.
- 34 - رجال، شيخ طوسي.
- 35- رجال النجاشي، احمد بن علي نجاشي، تحقيق: آية الله سيد موسى شيرازي، قم: مؤسسه نشر اسلامي، 1407ق.
- 36 - روض الجنان وروح الجنان، حسين بن علي ابي الفتوح رازي، مشهد: بنياد پژوهش های اسلام آستان قدس رضوي، 1408ق.
- 37 - الروضة البهية، شهيد ثاني، تعليق و تصحيح: سيد محمد كلانتر، چاپ دوم، بيروت: دار احياء تراث عربي، 1403ق.

- 38- رياض المسائل، سيّد على طباطبائي، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام 1418 ق.
- 39- السرائر، ابن ادريس حلي، قم: مؤسسه نشر اسلامي، چاپ دوم، 1410 ق.
- 40- شرائع الإسلام، محقق حلي، تحقيق: عبدالحسين محمدعلي بقال، چاپ دوم، قم: اسماعيليان، 1408 ق.
- 41- شرح القواعد، شيخ جعفر كاشف الغطاء، تحقيق: محمدحسين رضوي كشميري.
- 42- علل الشرائع، شيخ صدوق، كتاب فروشي حيدريه، نجف اشرف.
- 43- غاية المراد في شرح نكت الإرشاد، شهيد اول، قم: دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم، 1414 ق.
- 44- غاية المرام في شرح شرائع الإسلام، شيخ مفلح صيمري بحراني، تحقيق: شيخ جعفر كوثراني عاملي، بيروت: دار الهادي، 1420 ق.
- 45- غنية الطالب، شيخ مرتضى اردكاني، قم: چاپخانه علميه، 1385 ق.
- 46- غنية النزوع، ابن زهره حلي، تحقيق: ابراهيم بهادري، قم: مؤسسه امام صادق (عليه السلام)، 1417 ق.
- 47- الفائق في غريب الحديث، زمخشري، بيروت 1414 ق.
- 48- الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (عليه السلام)، تحقيق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- 49- فوائد الشرائع، محقق كركي، تحقيق: محمد الحسنون، تهران: احتجاج، 1381 ش.
- 50- الفهرست، شيخ طوسي، تحقيق: سيّد عبدالعزيز طباطبائي، قم: كتابخانه محقق طباطبائي، 1420 ق.
- 51- قاموس المحيط، محمّد بن يعقوب فيروزآبادي، بيروت: دار الجيل، وكذا نقلت من چاپ سنگي/
- 52- قرب الإسناد، حميري، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، 1413 ق.
- 53- قواعد الأحكام، علامه حلي، قم: مؤسسه نشر اسلامي 1413 ق. 54- الكافي، ثقة الإسلام كليني، تحقيق: علي اكبر غفاري، چاپ پنجم، تهران: دار الكتاب اسلامي، 1375 ش.
- 55- الكافي في الفقه، ابو الصلاح حلي، تحقيق: رضا استادي، اصفهان: كتابخانه امير المؤمنين (عليه السلام)، 1403 ق.
- 56- كشف اللثام، فاضل هندی، قم: مؤسسه نشر اسلامي 1416 ق.
- 57- الكشف والبيان (تفسير ثعلبي)، ثعلبي، بيروت: دار احياء تراث عربي، 1422 ق.

58- كفاية الأحكام، محقق سبزواری، قم: مؤسسه نشر اسلامى، 1423ق.

59- لسان العرب، ابن منظور مصرى، بيروت: دار احياء تراث عربى، 1408ق.

60 - اللمعة الدمشقية شهيد اول.

61 - المبسوط في فقه الإمامية، شيخ طوسى، تهران: كتاب فروشى مرتضوى.

62 - مجمع البحرين، طريحي، تحقيق: سيد احمد حسيني، وكذا نقلت من چاپ سنگى .

63- مجمع البيان، شيخ ابوعلى طبرسى، مصر، چاپ اول.

64- مجمع الفائدة والبرهان، محقق اردبيلي، قم: مؤسسه نشر اسلامى، 1402ق.

65 - المجموع شرح المذهب، نووى، بيروت: دار الفكر .

66 - المحاسن، برقى، تحقيق: سيد مهدي رجائي، قم.

67- المختصر النافع، محقق حلى، مصر.

68- مختلف الشيعة، علامه حلى، قم: مؤسسه نشر اسلامى، 1412ق.

69 - المراسم، سالار ديلمى، قم: منشورات حرمين، 1404ق.

70- مسالك الافهام، شهيد ثانى، چاپ دوم، قم: مؤسسه معارف اسلامى ، 1421 ق.

71- مستدرک الوسائل، محدث نورى، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، 1407ق.

72- مستند الشيعة، ملا احمد نراقى، مشهد: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، 1415ق.

73- مصابيح الظلام، وحيد بهبهانى، قم: مؤسسه وحيد بهبهانى.

74- مصباح الفقاهة، تقرير ابحاث آية الله سيد ابوالقاسم خوئي، شيخ محمدعلى توحيدى، چاپ اول، نجف و چاپ اول، قم.

75- المصباح المنير، فيومى، قم: دار الهجرة، 1405ق.

76- معاصى كبيره، آية الله شيخ محمدعلى نجفى اصفهانى معروف به ثقة الاسلام، تصحيح و تحقيق: مهدي باقرى سيانى و رحيم قاسمى، اصفهان: مؤسسه بوستان كتاب، 1387ش.

77- معاني الأخبار، شيخ صدوق، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: مؤسسه نشر اسلامى، 1379ق.

78 - معجم مقاييس اللغة، احمد بن فارس، قم: دفتر تبليغات اسلامي، 1404 ق.

79- مفتاح الكرامة، سيد جواد عاملي، تحقيق: شيخ محمد باقر خالصي، قم: مؤسسه نشر اسلامي، 1419 ق و چاپ اول مصر.

80- مقباس الهداية في علم الدراية، شيخ عبدالله مامقاني، تحقيق: شيخ محمدرضا مامقاني، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، 1411 ق.

ص: 87

- 81- المقتصر من شرح المختصر، ابن فهد حلّي، تحقيق: سيد مهدي رجائي، مشهد: آستان قدس رضوي، 1420ق.
- 82- المقتنع، شيخ صدوق، قم: مؤسسه امام هادي (عليه السلام) 1415ق.
- 83- المقتنعة، شيخ مفيد، چاپ چهارم، قم: مؤسسه نشر اسلامي، 1417ق.
- 84- المكاسب، شيخ مرتضى انصاري، چاپ كنگره شيخ انصاري و چاپ تبريز به خط مرحوم طاهر خوشنويس.
- 85- المكاسب المحرمة، امام خميني، قم: اسماعيليان.
- 86- منتهى المطلب، علامه حلّي، مشهد: آستان قدس رضوي، 1412 و چاپ سنگي.
- 87 - من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، تحقيق: علي اكبر غفاري، قم: جامعه مدرسين قم.
- 88- موسوعة أحاديث أهل البيت عليهم السلام، شيخ هادي نجفي، بيروت: دار احياء تراث عربي، 1423ق.
- 89- منهاج الفقاهة، آية الله سيد محمد صادق روحاني، قم: انوار الهدى، 1386ش.
- 90- مهذب الأحكام، آية الله سيّد عبد الأعلى سبزواري، بيروت: مؤسسه المنار.
- 91 - المهذب البارع، ابن فهد حلّي، تحقيق: شيخ مجتبي عراقي، قم: مؤسسه نشر اسلامي، 1407ق.
- 92 - النهاية، شيخ طوسي، قم: قدس.
- 93- نهاية الإحكام، علامه حلّي، تحقيق: سيد مهدي رجائي، چاپ دوم، قم: اسماعيليان، 1410ق.
- 94 - الوجيزة، علامه محمداقبر مجلسي، تحقيق: محمد كاظم رحمان ستايش، تهران، 1378 ش.
- 95- وسائل الشيعة، شيخ حرّ عاملي، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- 96- الوسيلة إلى نيل الفضيلة، ابن حمزة طوسي، تحقيق: شيخ محمد الحسون، قم: كتابخانه آية الله مرعشي، 1408ق.
- 97- وقاية الأذهان، شيخ محمدرضا نجفي اصفهاني، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام 1413ق.
- 98 - هداية المسترشدين في شرح أصول معالم الدين، شيخ محمد تقى رازي نجفي اصفهاني، قم: مؤسسه نشر اسلامي، 1420ق.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

